



## فهرست مطالب

- ۲ ..... شعار «همه با هم»، شعار ارتجاعی و درهم‌ریختن مرزهاست
- ۴ ..... شانزده آذر امسال، شانزده آذری شورانگیز علیه ارتجاع داخلی، امپریالیسم و اپوزیسیون خودفروخته
- ۵ ..... شاه و شیخ دو روی یک سکه!
- ۶ ..... «پشت پرده تصمیمات در کشور کیست؟»
- ۷ ..... صدور احکام سرکوب‌گرانه پنج سال زندان برای فعالان کارگری
- ۹ ..... گزارشی از ماهشهر، شهر خون و آتش!
- ۱۰ ..... بیانیه جمعی از فعالین صنفی دانشگاه نوشیروانی بابل به مناسبت روز دانشجو
- ۲۱ ..... «سویه اصلی مطالبات کارگری فی‌نفسه علیه نتولیرالیسم است»
- ۱۴ ..... سخنرانی درخشان یکی از دانشجویان مبارز و آگاه میهنمان
- ۱۵ ..... درد دل کوتاه یک دانشجو از ایران
- ۱۶ ..... «کولبر»
- ۱۶ ..... تقدیم به گل‌های پرپر شده در تظاهرات آبانماه ۱۳۹۸
- ۱۷ ..... طفیل عباس (۲۰۱۹-۱۹۲۷)، کمونیست برجسته پاکستانی
- ۱۸ ..... درگذشت رفیق «متین ایلقون» از حزب کار ترکیه
- ۱۸ ..... پیام حزب کار ایران (توفان) به نهمین کنگره حزب کمونیست اسپانیا
- ۱۹ ..... برعبله طرح بازنشستگی امتیازی مکرون
- ۲۰ ..... در جبهه نبرد طبقاتی
- ۲۷ ..... گشت و گذاری در فیسوگ، پاسخ به چند پرسش
- ۲۹ ..... پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام



## شعار «همه با هم»، شعار ارتجاعی و درهم‌ریختن مرزهاست

اینروزها با سرکوب خونین اعتراضات مردم در آبانماه، بازار شعار «همه با هم برای «سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی» و آلترناتیوهای رنگارنگ داغ شده است. پارهای در قالب «سکولار و جمهوری خواه و شورای گذار» تجاوز امپریالیست‌ها به عراق، افغانستان، سوریه و لیبی را مورد تأیید قرار می‌دهند و خواهان «مداخله بشردوستانه» ناتو برای تغییر رژیم سیاسی در ایران هستند. این خودفروختگان سیاسی خواب سناریوی لیبی در ایران را می‌بینند. پاره‌ای دیگر از آن‌ها که ناسیونال شونیست‌های آریائی هوادار بازگشت ضدانقلاب مغلوب در ایران هستند، می‌خواهند دلچک «منتظرالسلطنه» ای را به نام رضا نیم پهلوی «صفر کیلومتر» در ایران بر سرکار آورند و تاریخ را مجدداً به عقب برانند. «قهرمان ملی» آنها رضاخان میرپنج است. با الهام از ادبیات ایران باید گفت «تفو بر تو چرخ گردون تفوا».

پاره‌ای از این عده ناسیونال شونیست‌های آذری، کرد و عرب‌اند که خواهان تجزیه و بالکانیزه کردن ایران هستند، تا دست صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها در ایران باز شود و خوراک‌های کوچک قابل بلعی پیدا کنند. بسیاری از آنها از خروج بی قید و شرط استعمارگران از خاک عراق، افغانستان، سوریه، لیبی و فلسطین حمایت نمی‌کنند و آرزو دارند که اربابان امپریالیست بر مردم «نالایق» حکومت کنند. این عده که استقلال سیاسی و تمامیت ارضی سایر ممالک را برسمیت نمی‌شناسند. آنوقت مدعی حمایت از استقلال و تمامیت ارضی ایران‌اند! جبهه هواداران سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، جبهه وسیعی است که از کمونیست‌های واقعی تا تفاله‌های صهیونیسم و امپریالیسم را دربرمی‌گیرد.

اپورتونیست‌ها و نادانان و دشمنان مردم ایران خواهان آن هستند که این مرزها نامشخص باشد. آنها می‌خواهند وضعیتی بوجود آید که «همه با هم» و با نقاب در جنبش شرکت کنند. دست‌ها

رو نشود، کسی نتواند دست بغل دستی خویش را بخواند. آنها کار اجتماعی را با زد و بند و حقه‌بازی و کودتا و با دوز و کلک اشتباهی گرفته‌اند. بر این جبهه وسیع ضدانقلابی لیبرالیسم ناب حاکم است زیرا هر کس از ترس اینکه مبادا همسایه‌اش ازش دلخور شود، از برخورهای روشنگرانه، که موجب دلخوری‌های خانوادگی می‌شود، پرهیز می‌کند. ولی این خلق ایران است که باید بهای این پرهیزها و «مهربانی‌ها» را بپردازد. جنبش بیماری از «یاران سرنگونی طلب» بوجود می‌آید که هدف‌اش علی‌رغم ادعایش سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نیست. مخدوش کردن خطوط است. فریب افکار عمومی است.

«سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی» در اثر تکرار بدون تعمق، به تدریج به شعاری بی‌محتوی بدل شده است. کمونیست‌ها وظیفه دارند که همواره در رهبری جنبش گام بردارند و به جنبش برای پیشروی رهنمود دهند. شعار «سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی» و ضرورت تبلیغ آن، در شرایطی معنا و مفهوم پیدا می‌کند که مردم به این شعار روی بیاورند و بیان این شعار با هدف روشن کردن مرز میان موافقین و مخالفین آن صورت پذیرد. وقتی که مرزها مخدوش می‌شود، باید همواره شعار را دقیق‌تر کرد. این تجربه بزرگ بلشویک‌ها در انقلاب سال ۱۹۰۵ روسیه است و لنین در اثر بزرگ خود «دو تاکتیک سوسیال دموکراسی» به آن برخورد کرده است. حتی «روح الله خمینی» نیز در راستای منافع طبقاتی خود به این مسئله توجه دقیق داشت. وی در آغاز کار مدعی بود که شاه قانون اساسی را رعایت نمی‌کند؛ طرح شعار «سرنگونی» در گفتار اولیه وی مشهود نیست. وی در مورد حکومت بختیار سکوت کرد، تا مردم در خیابان‌ها با شعار «بختیار نوکر بی‌اختیار» به میدان آمدند و گفتند «ما می‌گیم شاه نمی‌خواهیم، نخست وزیر عوض میشه». آنوقت بود که با توجه به ارتقاء سطح جنبش و تمایل عمومی شعار «شاه باید برود» را پیش کشید. این شعار همان سرنگونی رژیم پهلوی بود. پذیرش این شعار از جانب سازمان‌های سیاسی ایران، دادن رهبری جنبش به دست خمینی بود. آن سازمان‌های سیاسی، که وظیفه رهبری خویش را فراموش کرده بودند، تلاشی نکردند که مرز خویش را با هواداران خمینی و متحدین‌اش روشن کنند. خمینی چی‌ها نیز راه افتاده بودند و می‌گفتند «همه بحث‌ها به بعد از رفتن شاه»، زیرا با تعیین روشن مرزها، که به زیر پرسش بردن امر رهبری آنها بود، مخالف بودند. در حالی که مرزها باید از قبل روشن شود و بر سر آن تبلیغ شود، در غیر این صورت مردم از کجا بدانند که چه کسی درست و یا اشتباه می‌گوید.

کمونیست‌ها نباید از این هراس داشته باشند که مردم حرف آنها را نمی‌فهمند و به صحت درستی شعار آنها پی‌نمی‌برند. این امر همواره در عرصه مبارزه وجود داشته و پیش خواهد آمد. در این صورت کمونیست‌ها نبرد را تنها در یک عرصه باخته‌اند، حال آنکه از نظر راهبردی جنگ را برده‌اند، زیرا توده مردم در تجربه شخصی خود به تدریج به صحت شعار کمونیست‌ها پی‌می‌برد و رهبری آنها را می‌پذیرد. طرح شعار نادرست و اپورتونیستی و بزدلی سیاسی نتایج‌اش از قبل روشن است و هرگز به کسب

«سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی»، «استقرار حقوق بشر و دموکراسی در ایران»، «ممانعت از نقض حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی»، مبارزه با «مرکز تروریسم» و یا «قطب تروریسم» و یا «محور شرّ» و یا «اسلام سیاسی» پنهان می‌کند.... پس شعار «همه با هم» اپوزیسیون خودفروخته ایران جبهه وسیعی است که در آن دونالد ترامپ، بنیامین نتانیاهو و بن سلمان، ولیعهد عربستان نیز شرکت دارند. هواداران این جبهه وسیع بدون مرز بیشتر مخالف ایران هستند تا مخالف جمهوری اسلامی. آنها می‌خواهند سر به تن ایران نباشد، تا سر به تن جمهوری اسلامی، آنها می‌خواهند با از بین بردن ایران جمهوری اسلامی را نیز از بین ببرند. آنها چون به نیروی خود و نیروی مردم کشورشان اعتقادی ندارند، از انقلاب روی میگردانند و می‌خواهند با دست اجنبی ایران را «آزاد» کنند. این عده مبشران آزادی مردم ایران نیستند، پیام‌آوران اسارت‌اند. این عده چون از طولانی‌بودن راه مبارزه خسته شده‌اند و می‌ترسند انقلاب در زمان حیات آنها صورت نگیرد و آنها گمنام بمیرند، شهرت بدنامی را به بی و سر و صدائی گمنامی ترجیح می‌دهند و تغییر رژیم جمهوری اسلامی در ایران را به عهده نیروهای خارجی گذاشته‌اند.

راه حل سیاسی در شرایط کنونی و همکاری و اتحاد عمل احزاب و سازمان‌های اپوزیسیون تنها در بستر شفافیت‌بخشیدن صف دوستان و دشمنان انقلاب مردم ایران میسر است. این امر به نظر حزب ما ساده است و می‌تواند صف کسانی را که دست در دست امپریالیست‌ها گام برمی‌دارند، از صف نیروهای صمیمی جدا کند. باید هرگونه تحریم اقتصادی و مداخله نظامی را محکوم کرد و «سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی را وظیفه مردم ایران دانست». با این شعار روشن می‌شود که اپوزیسیون مترقی ایران، که ضد جمهوری اسلامی و خواهان سرنگونی آن است، حاضر نیست تجاوز امپریالیست‌ها به ایران را بپذیرد. این اپوزیسیون روشن می‌کند که آن سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، که وی طالب آنست، با خواست امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها متفاوت است. این شعار دست امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها و پیروان منصور حکمت را در ایجاد افکار عمومی برای تجاوز به ایران و تهیه تائیدیه از اپوزیسیون ایران می‌بندد. این شعار ماهیت شعار «مجاهدین رجوی» و پیروان منصور حکمت را رو می‌کند. همه خواهند دید که این عده به همان شعار نخستین چسبیده‌اند، زیرا مشکل‌شان تجاوز امپریالیست‌ها به ایران نیست، مشکل‌شان جمهوری اسلامی است، که سرنگونی‌اش را از امپریالیست‌ها می‌طلب‌اند. شعار «نه قم خوبه نه کاشون، لعنت به هر دو تاشون» توجیه آنها در کنار آمدن در جبهه واحد دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو و بن سلمان عربستان است. راهی را که آنها پیشنهاد می‌کنند، راهی است که به ترکستان می‌رود.

رفقای حزبی ما و همه نیروهای انقلابی و دموکرات ایران باید در روشن کردن این مرزها کوشا باشند. نمی‌توان ادعای سیاسی بودن کرد، ولی مسئولیت نپذیرفت. طرح شعار درست، قبول مسئولیت درست است. •

تجربه درست توده‌ها و پیروزی جنبش منتهی نمی‌شود. در حالی که طرح شعارهای درست، حتی در شرایط نامناسب و ناخوشایند، خریداری و سرمایه‌گذاری در آینده است با تأخیر ولی بهر صورت با موفقیت به انتها می‌رسد.

حزب ما از همان روز نخست برای مرزبندی روشن با سلطنت‌طلبان و ضدانقلابی، که خواهان رجعت شرایط گذشته بودند، هرگز شعار «سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی» را طرح نکرد. ما در ارگان مرکزی خویش «توفان» از «سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی» و در تکامل آن «سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران» سخن رانیدیم. ما با این شعار می‌خواستیم و می‌خواهیم به توده‌ها نشان دهیم که جنایتکاری این رژیم به سرمایه‌داری بودن آن نیز مربوط است و تنها نباید آنرا ناشی از ایدئولوژی اسلامی حاکم بر این رژیم دانست. مگر رژیم شاه اسلامی بود، مگر رژیم دونالد ترامپ، هیتلر، فرانکو و موسولینی اسلامی بودند. در حالی که رژیم‌های جنایتکاری بودند و هستند. وجه مشترک آنها سرمایه‌داری بودن آنهاست. این شعار حزب ما جهت پیشرفت آینده را نیز نشان می‌دهد. ما به مردم می‌گوئیم که راه نجات بشریت و جامعه ایران در قبول سرمایه‌داری نیست، در پذیرش سوسیالیسم است. طبیعتاً این شعار ما جنبه ترویجی دارد و باید در تجربه عمومی مردم به شعار روز و خواست عمومی بدل شود، ولی اگر ما چنین شعاری را مطرح نکنیم و توضیح ندهیم، مردم از کجا بفهمند که چنین گزینه‌ای نیز می‌تواند برای آینده ایران مطرح باشد؟

امروزه اپوزیسیون بورژوازی وابسته به آمریکا و اسرائیل شعار «همه با هم» را مطرح می‌سازد. شرط همه با هم بودن مخدوش کردن مرزهای تمایز است. در حالی که شرط همکاری و اتحاد عمل، روشنی‌بخشیدن به خطوط تمایز است. نخست باید دید تمایز ما در چیست تا وجوه مشترک معلوم و تعیین شوند. از ماستمالی و لاپوشانی گلستانی ایجاد نمی‌شود. «همه با هم» تنها قرص مسکن خودفروشی و کار امروز را به فردا افکندن است که همیشه به شهادت تجربه تاریخ به نفع مرتجع‌ترین نیروها تمام می‌شود. به نفع آن نیروهایی که از پشتیبانی تاریخی جهل و عقب‌ماندگی عمومی برخوردارند. امروز امپریالیسم آمریکا با تشدید تحریم‌های غیرقانونی و تهدیدات نظامی و حمایت بی‌شرمانه از اپوزیسیون ارتجاعی ایران، تلاش دارد به ایران تجاوز کند؛ وضعیت عراق را در ایران برقرار سازد؛ ایران را تجزیه نماید؛ جنگ شیعه و سنی و زردتشی و مسیحی و یهودی راه بیاندازد، صنایع ایران را بمباران کند، تا خودشان مجدداً با قراردادهای پُر نان و آب آنرا با بهره‌های کلان بابت سرمایه‌گذاری‌هایشان برای ما از نو بسازند، نفت و گاز و اورانیوم ایران را، که منابع بزرگ انرژی هستند، به غارت ببرند. مس سرچشمه را که دومین معدن بزرگ مس بعد از معدن مس شیلی است، بعنوان فلز ضروری برای انتقال انرژی، کشتی کشتی بدزدند، آثار باستانی ایران را به موزه‌های لندن، پاریس، برلن، نیویورک و شیکاگو منتقل کنند. ولی امپریالیسم آمریکا، این بزرگ‌ترین تروریست دولتی جهان، این نیت پلید و ضدانسانی خویش را در پس شعار

پُربار و ارجمندی که این نسل برای آنها به ارث گذارده است، به مبارزات آزادی خواهان و ضدامپریالیستی خود برای ایرانی آباد، آزاد و مستقل ادامه می دهند. تظاهرات شانزده آذر امسال نه تنها افشاگر ماهیت کثیف و خونریز جمهوری اسلامی بود و درد و رنج عمومی مردم ایران را بازتاب داد، در عین حال طرح سیاست ارتجاعی «همه با هم» را درهم شکست و ناقوس مرگ اپوزیسیون وطن فروش را که با پول و امکانات ممالک امپریالیستی و صهیونیستی به تخریب جنبش اعتراضی مردم مشغول اند به صدا در آورد.

شعار «مجاهد و پهلوی، دو دشمن آزادی» که فرشگردی های شعبان بی مخ را به جنون واداشته است و به فحاشی علیه کمونیست ها و دانشجویان میهن دوست و ضدامپریالیست کشانده و عربده کشان اعلام کرده اند «کاری نکنید ما هم شعار "مرگ بر کمونیست" و "زنده باد پینوشه، زنده باد ازهارى" را سر بدهیم»، حمید تقوایی، لیدر حزب اسرائیلی منصور حکمتی هم برای عقب نماندن از این غافله به میدان آمد و با تاختن به دانشجویان مبارز این شعار ضد اپوزیسیون اجنبی پرست را مضر در مبارزه علیه جمهوری اسلامی تحلیل کرد و به دانشجویان رهنمود داد «تا در جنبش سرنگونی تفرقه نیاندازند!». حزب کمونیست کارگری که نه کمونیست است و نه کارگری سال هاست با مأموریت خاصی به میدان آمده تا با دلارهای صهیونیست ها زهر وطن فروشی و پذیرش استعمار و امپریالیسم را به عنوان «سناریوی سفید و مترقی» در میان اپوزیسیون ایران جان بیاندازد و متأسفانه به رغم مبارزه افشاگرانه حزب ما این جریان ستون پنجمی و جاسوس تا اندازه ای در این فعالیت نامقدس اش موفق عمل کرده و شماری از سازمان ها و جریانات سیاسی ایران را که در صف مردم ایران قرار داشتند، به ویروس وطن فروشی آلوده کرده است. این حزب سال هاست جبهه متحداش را تشکیل داده است و با سلطنت طلبان و مجاهدین و راست ترین محافل امپریالیستی صهیونیستی برای «سرنگونی فوری رژیم» فعالیت می کند و تحریم غیرقانونی اقتصادی، گرسنگی دادن به مردم ایران و تهدید به تجاوز نظامی را نیز در جهت سرنگونی رژیم به فال نیک می گیرد. همانطور که از تجاوز به لیبی توسط ناتو و حمله نظامی به سوریه و افغانستان .... استقبال کرده است. از اینرو دانشجویان در شانزده آذر با طرح شعارهای ضدامپریالیستی و مرزبندی روشن با اپوزیسیون وابسته و آزادی ستیز رجوی و پهلوی تو دهنی محکمی نیز به «حزب کمونیست کارگری» زدند و به افشای این جریان فاسد و مزدور پرداختند.

جریانات جبهه وسیع بدون مرز با شعار «همه باهم» دشمنان قسم خورده ایران به عنوان یک ملت اند، تا دشمن جمهوری اسلامی. آنها می خواهند سر به تن ایران نباشد تا سر به تن جمهوری اسلامی، آنها می خواهند با از بین بردن ایران، جمهوری اسلامی را نیز از بین ببرند. این جریانات همگی به دنبال لیبائی کردن ایران و پاشاندن شیرازه کشور هستند تا یک انقلاب اجتماعی



## شانزده آذر امسال ، شانزده آذری شورانگیز علیه ارتجاع داخلی، امپریالیسم و اپوزیسیون خودفروخته

شانزده آذر امسال هم به عنوان روز مقاومت دانشجویان بر علیه استبداد و امپریالیسم در بسیاری از دانشگاه های ایران برگزار شد. دانشجویان در شانزده آذر امسال با برافراشتن پرچم همبستگی با خیزش قهرمانانه آبانماه و جانباختگان این نبرد نابرابر و محکومیت رژیم جمهوری اسلامی، اپوزیسیون ارتجاعی و ضدانقلابی را نیز مورد آماج حملات خود قرار داده اند. طرح شعارهایی نظیر «ایران، شیلی، لبنان، فرانسه، سرکوب و غارت بسه»، «مجاهد و پهلوی، دو دشمن آزادی»، «علیتژاد و ارشاد، ارتجاع و انقیاد» به مذاق سلطنت طلبان، فرقه رجوی و حزب اسرائیلی «کمونیست کارگری» خوش نیامد و حملات کینه توزانه ای را علیه دانشجویان میهن دوست و انقلابی نشانه گرفتند.

یکی از ویژگی های شاخص ۱۶ آذر امسال که مرزبندی روشن با اپوزیسیون ارتجاعی و عوامل امپریالیسم بود، نشان داد که دانشجویان ایران به سنن ضدامپریالیستی و ضداستعماری این روز تاریخی، که دانشجویان دانشگاه تهران بر علیه دادگاه فرمایشی و ارتجاعی دکتر محمد مصدق و بر علیه سفر نیکسون، معاون وقت رئیس جمهوری امپریالیسم آمریکا برپا کردند، وفادارند و با آرمان میهن دوستانه سه دانشجوی میهن دوست، که جانشان را در راه میهن و برای آزادی و استقلال از دست دادند، پیوند ناگسستی دارند و با الهام از نسل گذشته و دست آوردهای





## شاه و شیخ دو روی یک سکه!

رژیم های دیکتاتوری و مورد تنفر مردم چاره‌ای جز تحریف و سرکوب مبارزه مردم ندارند. محمدرضا شاه در ۱۷ شهریور ۵۶ از عناصر «تروریست فلسطینی» و تعدادی «معلوم الحال آشوب طلب» نام برد و سیدعلی خامنه‌ای در آبان ۹۸ از «اشرار و توطئه خارجی سخن گفت!» اما همین شاه در پایان روز فرار از ایران، پذیرفت که صدای انقلاب مردم را شنید و حق با مردم است و اگر به او فرصت دهند، همه خواسته‌های انقلاب مردم را محقق خواهد کرد!

آنچه دیکتاتورها نمی‌توانند یا نمی‌خواهند بفهمند و بشنوند وجود تضادهای عینی جامعه است که از درون می‌جوشد، رشد می‌کند و سرانجام خارج از اراده اشخاص و احزاب مُنجر به انقلاب می‌شود! امروز پسر محمدرضا شاه، رضا پهلوی، که پدرش فرمان کشتار مردم را صادر می‌کرد، مدعی تاج و تخت است و تازه طلبکار هم هست که چرا مردم ایران اینقدر قدرشناس بودند و موجب سرنگونی پدرش شدند. این مردک ولگرد خود را ناجی ملت ایران می‌پندارد و از طرفی از ممالک امپریالیستی می‌طلبد تا با مداخله «بشردوستانه» برای تغییر رژیم در ایران عمل کنند! سند زیر آن روی سکه رژیم تبهکار جمهوری اسلامی است که با اعمال شنیع و ضدانسانی‌اش ضدانقلاب مغلوب را طلبکار کرده است:

\*\*\*

۱۸ شهریور ۱۳۵۷:

روزنامه اطلاعات، در توضیح کشتار تظاهرات کنندگان در جمعه سیاه تهران، اعلامیه شماره ۴ فرماندار نظامی تهران (ارتشبد غلامعلی اویسی) را منتشر کرده است. در این اعلامیه آمده:

برای استقرار آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی، حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران. این اپوزیسیون ارتجاعی چون به نیروی خود و نیروی مردم اعتقادی ندارد، از انقلاب روی گردانیده است و می‌خواهد با دست اجنبی ایران را «آزاد» کند! این عده مبشران آزادی مردم ایران نیستند، پیام‌آوران اسارت‌اند. افشاگری شورانگیز دانشجویان در شانزده آذر امسال علیه جمهوری اسلامی و اپوزیسیون وطن‌فروش برگ زرینی است در پیکار تاریخی دانشجویان برای رهایی از ظلمت استبداد و ایستادگی و مقاومت در مقابل استعمار. حزب ما به چنین مبارزه‌ای ارج می‌نهد و به دانشجویان انقلابی ایران درود می‌فرستد و برایشان آرزوی موفقیت روزافزون دارد.

### برخی از شعارهای دانشجویان در شانزده آذر امسال:

۱. ایران لبنان فرانسه / سرکوب و غارت بسه
۲. مجاهد و پهلوی دو دشمن آزادی
۳. علی‌نژاد و ارشاد/ ارتجاع و انقیاد
۴. خیابونا خونی شد / آزادی قربانی شد
۵. جواب ما تفنگ نیست / این همه کشته کم نیست
۶. قضایه جلادان / مقدمتان خون باران
۷. فقر کشتار گرانی / مردم شدن قربانی
۸. ستاره در پرونده / دانشجویان در بنده
۹. اساتید اساتید / حرف بزنید نترسید
۱۰. استادمون ذلیلن / ذلتو می‌پذیرن
۱۱. ایستاده‌ایم در سنگر / دانشجو و کارگر
۱۲. تبعیض جنسیتی محکوم است، محکوم است
۱۳. سرکوب پایان راه نیست / مقاومت زندگیت
۱۴. از هفت تپه تا تهران / زحمتکشان در زندان
۱۵. بیکاری بیگاری / حجاب زن اجباری
۱۶. فرزند کارگرانیم / کنارشان می‌مانیم
۱۷. نان، کار، آزادی، اداره‌ی شورایی
۱۸. دانشجوی زندانی آزاد باید گردد
۱۹. کارگر، معلم، دانشجو / اتحاد اتحاد
۲۰. دانشجو آگاه است / با کارگر همراه است
۲۱. دانشجو می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد
۲۲. زندانی سیاسی / آزاد باید گردد!
۲۳. چه شیلی چه ایران / سرکوب زحمت‌کشان
۲۴. از تهران تا بغداد / فقر، ستم، استبداد
۲۵. ایران، بغداد و بیروت / پر از گوله و باروت
۲۶. آبان ادامه دارد / حتی اگر شب و روز / بر ما گلوله بارد
۲۷. فقر، کشتار، گرانی / مردم شدن قربانی
۲۸. معترضا گلوله بارون شدن / شهرها همه رودخونه خون شدن
۲۹. سرکوب پایان راه نیست / مبارزه رهایی است
۳۰. زندان، تفنگ یا باتوم / نمی‌شینیم ما آرام
۳۱. تبریز، اهواز، کردستان / ملت کف خیابان
۳۲. ملت عاصی از ستم / ایستاده است کنار هم
۳۳. سرکوب پایان راه نیست / مقاومت زندگیت
۳۴. خیابونا خونی شد / آزادی قربانی شد
۳۵. بازداشت، شکنجه، کشتار / فقر، حجاب، استثمار
۳۶. دانشجو آگاه است / با کارگر همراه است
۳۷. فرزند کارگرانیم / کنارشان می‌مانیم
۳۸. دانشجو، کارگر / اتحاد اتحاد

## «پشت پرده تصمیمات در کشور

### کیست؟»

تشدید تضاد در میان هیأت حاکمه از یک طرف و هیأت حاکمه و مردم از طرف دیگر به آنجا منجر شده که در درون حامیان هیأت حاکمه و یا منتقدان به آنها پدیده‌هایی پیدا شوند که برای جلب نظر مردم کلیت نظام را به زیر پرسش می‌برند. سخنرانی بی‌پرده «وحید اشتری» در دانشگاه تهران در مورد وقایع اخیر از جمله یکی از این پدیده‌هاست.

«وحید اشتری» که سابقاً مسئول سیاسی بسیج دانشگاه تهران و عضو شورای مرکزی جنبش عدالت‌خواه و مسئول مستضعفین تی وی بوده و هم‌اکنون به عنوان خبرنگار و مستندساز در رابطه با افشاء پرونده‌های رانت‌خواری‌ها و انبوه‌سازی‌ها و دزدی‌ها فعالیت چشمگیری داشته است، بعد از جریان کشتار و سرکوب شورش محرومان در سخنانی که در این رابطه داشت و به صورت فیلمی پانزده دقیقه‌ای در شبکه اینترنت گذاشته شده، چنین می‌گوید:

«این خیلی فاجعه است در کشور چند صد نفر کشته شده‌اند و آقای روحانی اینقدر خوشحال میگه و می‌خنده و صحبت می‌کنه که انگار رفته شمال یک جایی و حالا داره یک خاطره تعریف می‌کنه و میگه من هم مثل شما مطلع شدم، کار وزیر کشوره».

«ما در شرایط جنگی هستیم؛ همیشه که هم با استکبار خارجی جنگید و هم با استکبار داخلی. باید با یک طرف کنار آمد»

«پشت پرده تصمیمات در کشور کیه؟ داخله؟ خارجه؟»

«به نظر میرسه مهمترین مسئله‌ای که این روزها مطرح است اینه که بدانیم پشت پرده تصمیمات در کشور کیه؟ سران قوا می‌گویند ما کلیات را تصویب کردیم یا طبق اختیارات اساساً احتیاج به تصویب نداشته. کابینه میگه ما در جریان نیستیم. مرکز پژوهش مجلس میگه ما با این طرح مخالف بودیم. سازمان برنامه و بودجه ما با اینگونه اجرا مخالفیم. پژوهشکده و اندیشکده حکمرانی شریف و ایقان و جاهای دیگه هم هستند که می‌گویند این طرح اجراشده غلط بوده. کسی این طرح را داده و حاضره بیاد دانشگاه و مناظره کنه و از آن دفاع کنه و مسئولیت به عهده بگیره؟ اصلاً بگیریم یک طرح را دادند به دولت و گفتند آنرا اجرا کند و در عرض دو روز تعداد کشته شده‌ها را در گنیس جا به جا کرده و می‌گویند ۴۰۰، ۵۰۰ تا ۷۰۰ نفر کشته شده‌اند؛ از سران قوا کسی پاسخگو نیست و نه وزیر کشور استیضاح میشه، نه استاندار، نه فرماندار».

در سخنان آقای «وحید اشتری» دو نکته بسیار مهم کلیدی نهفته است، یکم اینکه رژیم، که خود را مدعی «مبارزه با استکبار

«امروز صبح در میان تظاهرات کنندگان تعدادی معلوم‌الحال آشوب‌طلب که با توجه باعمال مرتکبه روشن است با پول و نقشه خارجی عمل کرده و از پشتیبانی بیگانگان برخوردار هستند با مواد آتش‌زا بنام کوکتل مولوتف مشعل‌های افروخته نارنجک و تیراندازی با سلاح‌های مختلف و کارد و چاقو در نواحی مختلف شهر با اغفال مأمورین مبادرت به تعرض به جان و مال مردم نموده و چندین محل را به آتش کشیده و با هجوم و تعرض به مأمورین و سربازان تعدادی سرباز را با تیراندازی و کارد مجروح کرده از پای درآوردند و هر چند مأمورین جهت متفرق کردن آنان اخطار نمودند، نه تنها اعتنایی نکردند، بلکه به تخریب خود افزوده و بسوی مأمورین حمله‌ور شدند در این موقع مأمورین ناچاراً در جهت مأموریت و وظائف قانونی خود و به منظور برقراری نظم و امنیت مبادرت به تیراندازی نموده و مهاجمین را متفرق و تعدادی از آنها را دستگیر و تسلیم مقامات قانونی کردند».

## تظاهرات خونین تهران ۳۰۸ کشته و مجروح داشت

باطلاع اهالی شریف و باتقوای تهران و حومه خواهد رسید انتظار دارد با رعایت مقررات و قوانین حکومت نظامی که در جهت رفاه و آسایش عامه مردم استقرار یافته است با مأمورین فرمانداری نظامی همکاری لازم را معمول دارند. فرماندار نظامی تهران و حومه ارتشبد غلامعلی اویسی

و تسلیم مقامات قانونی کردند. متأسفانه طبق آمارهای که تا ساعت ۱۷:۳۰ امروز (دربور) از بیمارستان‌های مختلف بدست آمده و قایح ۵۸ کشته و ۲۰۵ مجروح داشته است فرمانداری نظامی تهران با یادآوری وظائف قانونی خود و اینک کلیه جریاناتی که اتفاق می‌افتد بطور کامل صحیح و بوقوع

مولوتف مشعل‌های افروخته نارنجک و تیراندازی با سلاح‌های مختلف و کارد و چاقو در نواحی مختلف شهر با اغفال مأمورین مبادرت به تعرض به جان و مال مردم نموده و چندین محل را به آتش کشیده و با هجوم و تعرض به مأمورین و سربازان تعدادی سرباز را با تیراندازی و کارد مجروح کرده از پای درآوردند و هر چند که مأمورین جهت متفرق کردن آنها اخطار نمودند نه تنها اعتنایی نکردند بلکه به تخریب خود افزوده و بسوی مأمورین حمله‌ور شدند در این موقع مأمورین ناچاراً در اجرای مأموریت و وظائف قانونی خود و به منظور برقراری نظم و امنیت مبادرت به تیراندازی نمودند

تهران - خبرگزاری پارس: اعلامیه شماره ۴ فرماندار نظامی: همانطور که طسی اعلامیه دولت باستحضار هموم رسید به منظور جلوگیری از خونریزی و تظاهرات غیر قانونی و برخلاف قانون اساسی و بمنظور حراست از موجودیت و وحدت ملی و حفظ جان و مال افراد و آحاد ملت مقررات فرمانداری نظامی در بعضی از شهرهای کشور از ساعت ۶ بامداد ۱۷/۱۳۵۷ برقرار و مراتب باطلاع عموم رسید.

مذاکات امروز صبح در میان تظاهر کنندگان تعدادی معلوم الحال آشوب‌طلب که با توجه باعمال مرتکبه روشن است با پول و نقشه‌خارجی عمل کرده و از پشتیبانی

## تحویل نفت ایران به ژاپن ثابت باقی میماند

در چند سال گذشته کشور های در حال توسعه وضع

متاکوفوکودا، نخست‌وزیر ژاپن دیروز تهران و امروز

مبادرت به تیراندازی نمودند

## سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران



جهانی» می‌داند، نمی‌تواند با مردم‌اش به عنوان استکبار داخلی برخورد کند و به سرکوب آنها پردازد، جنگ در دو جبهه امکان پذیر نیست. یا باید در کنار مردم علیه «استکبار جهانی» جنگید یا با استکبار جهانی کنار آمد و «استکبار داخلی» را قربانی کرد. دو دیگر اینکه آقای اشتری کلیت نظام را بدون اشاره به نام سیدعلی خامنه‌ای مقصر و مسبب اصلی فجایع اخیر ارزیابی می‌کند و سران رژیم را که به هیچ‌وجه پاسخ‌گویی اعمال جنایتکارانه‌شان نیستند، مورد نقد قرار می‌دهد. سخنان افشاگرانه وحید اشتری و این پرسش که چه مقام دولتی و یا پشت پرده در ایران پاسخگویی وضعیت کنونی است و دولت باید به مردم رسماً پاسخ بگوید، سخن منطقی است. این سخن که مسئولان افزایش بهای بنزین و قتل عام مردم باید معرفی شوند و محاکمه گردند، سخن منطقی است و باید روشن شود چه مقامی دستور سرکوب مردم و حق تیر را داده است. دولت باید تعداد جان‌باختگان و اسرا و جرم و مجازات آنها را علناً اعلام کند و باید «مجرمان» در دادگاه‌های علنی با حضور وکلای مدافع و حضور مطبوعات محاکمه شوند.

## صدور احکام سرکوب‌گرانه پنج سال زندان برای فعالان کارگری نشان از ضعف و ترس رژیم است و نه قوت او

احکام دادگاه تجدیدنظر برای متهمان پرونده بازداشت‌شدگان هفت‌تپه و دو تن از بازداشت‌شدگان اعتراضات روز کارگر صادر شد و همگی زندانی‌های کارگری به شکل غیابی به پنج سال زندان برای «اجتماع و تبانی» محکوم شده‌اند. «سپیده قلیان»، دانشجو و فعال اجتماعی نسبت به این احکام سنگین واکنش نشان داد و گفت «تمام ما به صورت کیلویی به پنج سال حبس قابل اجرا محکوم شدیم». «عاطفه رنگریز»، فعال حقوق زنان هم در اینستاگرام خود در واکنش به صدور این احکام نوشته است که «این حکم یعنی خفه می‌کنیم و می‌توانیم».

صدور حکم ۵ سال زندان برای ۹ فعال کارگری در حالی صورت گرفته است که ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضائیه ایران عضو اسبق کمیته سه نفره مرگ در سال ۶۷ بعد از صدور احکام سنگین برای این فعالان در دادگاه بدوی گفته بود که «در دادگاه تجدیدنظر باید منصفانه حکم صادر شود». براساس گزارش‌های رسانه‌های ایران، رئیسی دستور «ویژه‌ای» برای «تجدیدنظر و رسیدگی منصفانه» در خصوص «احکام صادره در برخی پرونده‌های اخیر» داده بود. با این حال نگاهی به

با فساد همه گیر در دستگاه حاکمیت باید با شمشیر تیز انقلاب مبارزه کرد



دستها از ایران کوتاه باد  
HANDS OFF IRAN



نمی‌بینند.

از رعایت علنی بودن دادگاه‌ها که به صراحت در قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری کشورمان پیش‌بینی شده، در شعبه بیست و هشتم دادگاه انقلاب، با برخورد سلیقه‌ای آشکارا خودداری به عمل آمده بود و حتی متهمان تک تک و به صورت جداگانه محاکمه شدند در حالی که ماهیت یکی از اتهامات که اجتماع و تبانی است، محاکمه توأمان و همزمان را ایجاب می‌کرد.

دادگاه انقلاب، صلاحیت رسیدگی به برخی اتهام‌های اسماعیل بخشی (اخلال در نظم عمومی و سلب آسایش عمومی و نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی) را نداشته است، ولی قاضی مقیسه به دارابودن ابلاغ ویژه از سوی رئیس قوه استناد می‌کند در حالی که استناد قاضی باید به قانون باشد و صلاحیت دادگاه‌ها را قانون مشخص می‌کند نه رئیس قوه... و موارد صلاحیت دادگاه انقلاب در قانون احصاء شده است.

وقتی شکایت موکل من از مأمورین امنیتی وزارت اطلاعات با موضوع شکنجه (اخذ اقرار زیر شکنجه) مستند به شهادت شاهدان در جریان هست و وزیر اطلاعات نیز شاکتی خصوصی موکل من می‌باشد، دیگر مأمورین وزارت اطلاعات بی‌طرف نیستند و حکمی که براساس گزارش این ضابطین علیه موکل صادر شده، به وضوح، غیرمنصفانه و چنین دادگاهی اصل بی‌طرفی را زیر پا گذاشته است. با وجود این موارد و ناگفته‌های دیگر، آقای رئیسی بر چه اساسی و با چه بضاعتی، وعده دادرسی عادلانه را داده بود؟؟؟؟!!!! که خانه از پای بست ویران است.... لازم به ذکر است که با توجه به جابجایی و اشتباه در درج اتهام‌های انتسابی موکلانم در متن حکم، تصحیح دادنامه و صدور و ابلاغ رأی تصحیحی را تقاضا نمودم....»

\*\*\*

حزب کارایران (توفان) احکام ضدانسانی و سرکوب‌گرانه را که برای ارباب جامعه است، قویاً محکوم می‌کند و از احزاب و سازمان‌های برادر و خواهر، متشکل در کنفرانس بین‌المللی مارکسیستی - لنینستی (ICMLPO) می‌خواهد ضمن محکوم کردن این اقدام ارتجاعی و ضدکارگری جمهوری سرمایه‌داری اسلامی خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط این ۹ زندانی و همه زندانیان سیاسی گردند.

کارزار همبستگی با فعالین کارگری زندانی و سایر زندانیان سیاسی ایران بدون وقفه تا زمانی که رژیم ننگین جمهوری اسلامی به لیست طولانی جنایات خود اعتراف نکرده است، ادامه خواهد داشت. حزب ما همراه با احزاب بین‌المللی کمونیستی که متحداً برای سوسیالیسم و علیه سرمایه‌داری، امپریالیسم و ارتجاع مبارزه می‌کنیم در ساخت و تقویت این کارزار همبستگی مجدانه کوشانیم. •

احکام صادر شده در دادگاه تجدید نظر برای فعالان کارگری نشان می‌دهد که این احکام چندان تفاوتی با احکام صادر شده در دادگاه بدوی ندارند و کمابیش شبیه همان احکام هستند. «فرزانه زیلابی»، وکیل کارگران هفت تپه در بیانیه‌ای در مورد این احکام سنگین چنین بیان کرده است:

«امروز بیست و پنجم آذرماه، احکام ناعادلانه‌ی حبس و شلاق کارگران هفت تپه: آقایان اسماعیل بخشی و محمد خنیفر که در فرآیند دادرسی‌ای غیرمنصفانه از سوی شعبه سی و شش دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران به صورت قطعی صادر شده بود، ابلاغ گردید و در نظر داریم درخواست اعاده دادرسی از حکم صادره را ارائه دهیم.

در حالی که آقای رئیسی، پس از صدور احکام سنگین در پرونده‌ی هفت تپه از سوی شعبه بیست و هشت دادگاه انقلاب، که احساسات عمومی را جریحه‌دار نموده بود، وعده رسیدگی در دادگاه منصفانه را داده بود. در کمال ناباوری بدون تشکیل جلسه، همان دادنامه‌ی نخستین را ضمن اصلاح، در ماهیت امر تائید نمود. با این توضیح که در دادنامه‌ی نخستین، از محکومیت اسماعیل بخشی هفت سال و محمد خنیفر پنج سال قابل اجرا بود و در حکم دادگاه تجدیدنظر از میزان حبس اسماعیل بخشی و محمد خنیفر، هر کدام پنج سال اعمال می‌شود. افزون بر آن، به تازگی، برای رسیدگی به شکایت وزیر اطلاعات از اسماعیل بخشی در تاریخ دوم دیماه، تعیین وقت رسیدگی به عمل آمده است و محمد خنیفر نیز چهار پرونده کیفری دیگر مرتبط با اعتصابات و تجمعات هفت تپه در شعب دادرسی و دادگاه باز شده است.

مسئولین ارشد قوه قضائیه در حالی وعده رسیدگی منصفانه را داده بودند که در این پرونده و پرونده‌های مشابه، به تکرار و آشکارا، معیارهای دادرسی منصفانه گاه به صورت مصوب و گاهی سلیقه‌ای زیر پا گذاشته شده و اساساً غیرممکن بود که چنین دادرسی به انصاف بیانجامد.

چه آنکه بارزترین معیارهای دادرسی منصفانه، برگزاری جلسه دادگاه و برخورداری متهمان از حق دفاع، علنی بودن محاکمه، دسترسی آزاد به وکیل، محاکمه در مراجع صالح (دارای صلاحیت قانونی)، رعایت اصل بی‌طرفی و... می‌باشند.

عدم دسترسی آزاد متهمان به وکیل در حساس‌ترین مرحله که یک متهم نیاز به حضور وکیل در کنار خود دارد، در دادرسی و زمان انجام تحقیقات به صورت مصوب براساس تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری حق داشتن وکیل از آن‌ها سلب که در واقع حق دفاع از آن‌ها سلب شده است. دادگاه تجدیدنظر براساس ماده ۴۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری، ملزم به تشکیل جلسه هستند، اما دادگاه‌های تجدیدنظر قانون مصوب مجلس را به کنار گذاشته‌اند و با ارجاع به دستور رئیس قوه براساس استیذان از رهبر، خود را ملزم به تشکیل دادگاه تجدیدنظر



مخازن نگهداری و صادرات بنزین گازوئیل و میعانات و غیره با فاصله پنج دقیقه‌ای خونه‌ی هر کدوم از اهالی ماهشهره. حالا در کنار این شهر که از لحاظ جمعیت در رتبه دوم شهرهای خوزستان بعد از اهواز قرار داره، چند شهرک قرار گرفته که همه کارگرنشین و به شدت فقیر هستن: شهر چمران (جراحی)، شهرک طالقانی (کوره)، شهرک رجایی (زنجیر)، شهرک مدنی و دهکده گاما. توی این شهرک‌ها به دلیل بیکاری و فقر گسترده انواع بزه رواج داره. در مورد دهکده گاما جالب اینه که در فاصله هزار متری مجتمع‌های پتروشیمی قرار داره اما حتی ساکنینش به حمام ساده دسترسی ندارند. حالا با گفتن اینها میخوام به اینجا برسم که اهالی ماهشهر و این شهرک‌ها حتی یک بانک رو آتش نزدند (ماهشهر تنها شهر درگیر در این اعتراضات بود که حتی یک بانک آتش نگرفت حتی یک مغازه هم صدمه ندید. تنها کاری که مردم کردند درست کردن راه‌بندان و بستن جاده‌های دسترسی به منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی (مجتمع‌های پتروشیمی) و بستن راه دسترسی به بندر امام خمینی بود، اونم با آتش‌زدن چند حلقه لاستیک و قراردادن چند تا سنگ توی جاده و خاموش کردن چند تا کمپرسی و کامیون در جاده.

حالا فکر می‌کنید چه اتفاقی افتاد؟ به دستور استاندار و با مجوز شاک، سپاه خوزستان یه تیپ ویژه تکاور به ماهشهر فرستاد به همراه دو تانک (بله واقعا تانک) و شش نفربر و کلی سلاح سنگین و نیمه سنگین و حتی هلی کوپتر نظامی! به محض ورود به ماهشهر ابتدا توی شهر چمران (جراحی) وارد شدند و مردم رو به گلوله بستن. با کلاشینکف؟ خیر با تیربار دوشکا. دقیقاً با تیربار دوشکا. و از هلی کوپتر هم توی شهر چمران (جراحی) به مردم عادی تیراندازی کردند. حتی به سمت مردمی که توی خونه بودن و حتی توی راهپیمایی اعتراضی شرکت نکرده بودند. و در همون ساعت اول حدود ۱۷ نفر از جمله دو کودک ۴ و ۸ ساله و یک پیرزن هفتاد و چند ساله با تیر مستقیم برادران پاسدار کشته شدن (آمار بقیه کشته‌ها به علت فرار جوان‌ها به بیشه‌ها و تیراندازی کور پاسدارها به این بیشه و نیزارها هنوز مشخص نیست). چند کشته از بین زخمی‌هایی بودند که بیمارستان شهر به دستور پاسداران از پذیرشون امتناع کرد. عصر همون روز وارد شهرک‌های رجایی و دهکده گاما و شهرک مدنی شدند و اونجا رو هم از کشتار بی‌نصیب نگذاشتند. به علت عشایری بودن بخشی از ساکنین این شهرک‌ها که از عشایر عرب خوزستان هستند، خیلی‌ها مسلح هستن و سپاه به عمد با این حمام خونی که راه انداخت مردم رو تحریک کرد. درگیری به شهرک طالقانی (کوره) کشیده شد و چون مردم این شهرک به دلیل مسلح بودن، مقابله به مثل کردن، از ساعت شش هفت عصر سه شب تا ساعت یک بامداد چهارشنبه حتی یک ثانیه صدای رگبار قطع نشد. با تانک وارد شهرک شدند اما با مقابله مردمی در این شهرک‌ها، غائله جمع نشد و پاسداران هم کشته و زخمی زیادی داشتن که با



## گزارشی از ماهشهر، شهر خون و آتش!

گزارش زیر در مورد حوادث خونبار و قتل عام کارگران و محرومان میهن ما در ماهشهر است که به آدرس مرکزی حزب ما ارسال شده است. این گزارش کوتاه اما تکان‌دهنده، که تحت عنوان «نامه یکی از بچه‌های ماهشهر» پخش شده است، خبر از وضعیت مشقت‌بار اقتصادی کارگران، قطب فقر از یکسو و ظلم و ستم و قطب ثروت از سوی دیگر می‌دهد و ماهیت طبقاتی تعرض بی‌رحمانه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به مردم را برای حفظ نظم چرک و خون حاکم بازتاب می‌دهد. این گزارش گوشه‌ای از سرکوب قیام بینوایان و گرسنگانی است که برای نان به‌پاخاسته‌اند. قیام ده روزه‌ای که ایران را به شدت تکان داد. ما این نامه را بدون دخل و تصرف به چاپ می‌رسانیم تا خوانندگان گرامی با وضعیت اسفناک اقتصادی و معیشتی مردم و علل خیزش آبانماه در ماهشهر بیشتر آشنا شوند.

\*\*\*

### «نامه یکی از بچه‌های ماهشهر»

سلام!

من اهل ماهشهرم و حتماً میدونید که در اعتراضات اخیر بعد از کرمانشاه، ماهشهر بیشترین تعداد کشته رو داشت. نمیدونم چقدر ماهشهر رو میشناسید. ماهشهر با داشتن بیش از ۲۰ مجتمع پتروشیمی یکی از بزرگ‌ترین قطب‌های پتروشیمی ایران و حتی خاورمیانه است و همچنین با داشتن بندر امام خمینی دارای یکی از بزرگ‌ترین بنادر تجاری در ایران و همچنین یکی از بزرگ‌ترین بنادر صادرات نفت در کشوره (بیشتر نفت ایران و بیشتر محصولات تولیدی پالایشگاه آبادان از ماهشهر و خارک صادر میشه) و جالب‌تر اینکه ماهشهر بین دو رودخانه زهره و جراحی قرار گرفته و از لحاظ کشاورزی و صیادی هم جایگاه ویژه‌ای بین بقیه شهرهای خوزستان داره. بزرگ‌ترین



وساطت شیوخ و ریش سفیدان و بزرگان منطقه تیراندازی قطع شد و شهرک طالقانی محاصره شد. تا سه روز بعد از اون از این شهرک ها جوان ها رو دستگیر می کردند. و فعلا غائله ساکت شده ولی همیشه گفت آرامه.

فاجعه انسانی که اینجا اتفاق افتاد مورد توجه کسی نیست. خیلی ها فکر میکنند اینجا بانک آتش زدند، ولی حتی به عابر بانک توی ماهشهر صدمه ندید. تنها به این دلیل که مردم این شهر پاشون رو روی شاهرگ اقتصادی کشور گذاشتن به این شکل سرکوب شدند. توی هیچ شهر دیگه ای نه با تانک وارد شدند و نه کماندو ویژه فرستادن و نه نیروی تکاور با هلی کوپتر پیاده کردن. مردم ایران حق اعتراض ندارند، اما مردم ماهشهر حتی به اندازه بقیه ایرانی ها هم اجازه عصیانگری ندارند. خواهش میکنم واقعیات این شهر رو منعکس کنید».

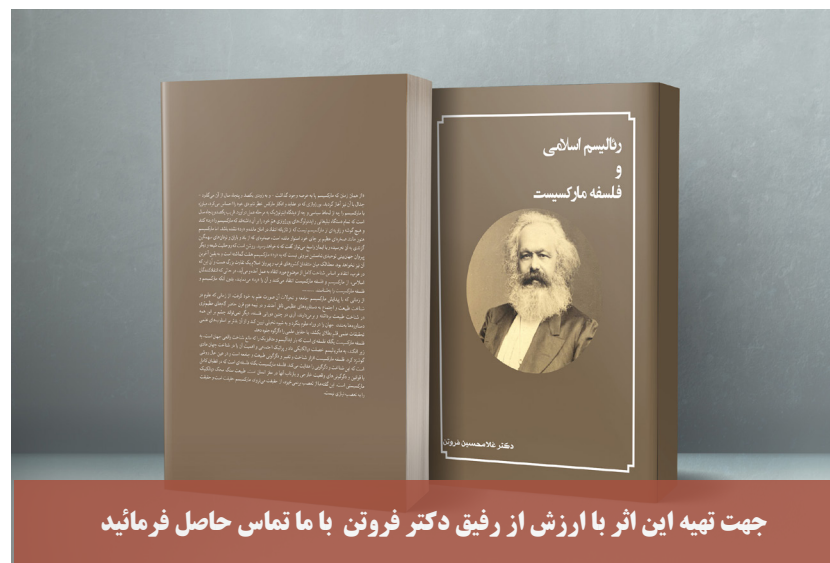
## بیانیه جمعی از فعالین صنفی دانشگاه نوشیروانی بابل به مناسبت روز دانشجو

بیانیه زیر یکی از دهها بیانیه دانشجویان دانشگاههای ایران در شانزده آذر امسال است که به دستمان رسیده است. دانشجویان در این بیانیه به درستی ارتجاع داخلی، استعمار و امپریالیسم را هدف قرار داده اند. در این بیانیه آمده است که «مبارزه برای معیشت و سرکوب از جانب حاکمیت، تنها مختص این نقطه از جهان نیست؛ وقتی چشمانمان را فرای رسانه های فاشیستی سلطنت طلب و رسانه های سرکوب گر داخلی باز می کنیم به یک همبستگی جهانی در مسیر احقاق حق زندگی برای توده های همه ملیت ها و نژادها می رسیم؛ چونان که در ایران، عراق، لبنان، شیلی و فرانسه جرقه های مشابهی عامل شعله ور شدن خیزش مردمی و حقی طلبی آنان گشت».

این دانشجویان میهن دوست و انقلابی «راه رهایی و مسیر آزادی را جز در پرتوی اتحاد و همبستگی مبارزات توده ها ندانسته و خط سیر رهایی از استثمار داخلی و استعمار خارجی را تنها و تنها با همبستگی مبارزات زنان، کارگران، دانشجویان و دیگر اقشار فرودست و زحمتکش جامعه رو به سوی خورشید نان، کار، آزادی برشمرده اند». در این بیانیه می خوانید:

\*\*\*

«دیدار به روز آزادی»؛ این وداع، آخرین خاطره ی پدران و مادرانی است که جوانان و قهرمانان شان را به دامن دشت آبان لاله گون سپرده اند و در جای جای پهنه ی خون آلود ایران شنیده شد. اکنون ما در نقطه ای از تاریخ سرزمین مان ایستاده ایم



سرکوب بر خود نمی‌بیند. در این برهه است که در می‌یابیم، نقد، اعتراض و مطالبات ما دقیقاً نقطه‌ای را نشانه رفته است که برخلاف منافع افرادی است که نان‌خورهای این تضاد جنسیتی و استثمار گرایانه‌اند و باید این را بدانیم و باید این را بدانند! که برای رسیدن به جایگاه حقیقی زن، از مبارزه دست نمی‌کشیم. جنبش‌های کارگری در سرتاسر تاریخ پیدایش نظام و منطق سرمایه از پیشرانان مبارزه و حق‌خواهی ستم‌دیدگان و فرودستان بوده‌اند و همواره دانشجویان و جنبش‌های دانشجویی، به موازات جنبش‌های کارگری همراه و هم‌دل با آنان به مبارزه علیه ستم و تحقق عدالت مشغول بوده‌اند. ما نیز وظیفه داریم در بزنگاه‌ها، آگاهانه حمایت خود را از این جنبش‌ها اعلام کنیم. چند سالی است جنبش‌های کارگری ایران از نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز گرفته تا هپکو اراک و کنترل‌سازی قزوین و ...، علی‌رغم سرکوب شدید، توانسته‌اند از گوشه و کنار کشور صدای اعتراض خود را از همیشه بلندتر نگاه دارند. جنبش‌های کارگری صراحتاً یک خواست را طلب می‌کنند: خواست کوتاه کردن دست ستمگر خصوصی‌سازی؛ همان رنجی که فرزندان‌شان در دانشگاه‌ها تحت عنوان پولی‌سازی آموزش با آن مواجه‌اند و خواهان واگذاری سرنوشت‌شان به دستان و عرق پیشانی خودشان‌اند.

مبارزه برای معیشت و سرکوب از جانب حاکمیت، تنها مختص این نقطه از جهان نیست؛ وقتی چشمان‌مان را فرای رسانه‌های فاشیستی سلطنت‌طلب و رسانه‌های سرکوب‌گر داخلی باز می‌کنیم به یک همبستگی جهانی در مسیر احقاق حق زندگی برای توده‌های همه ملیت‌ها و نژادها می‌رسیم؛ چونان که در ایران، عراق، لبنان، شیلی و فرانسه جرقه‌های مشابهی عامل شعله‌ور شدن خیزش مردمی و حق‌طلبی آنان گشت.

راه‌هایی و مسیر آزادی جز در پرتوی اتحاد و همبستگی مبارزات توده‌ها گذر به ناکجا آبادی دیگر است؛ چنان که هم در عصر معاصر کشور خودمان و هم در تاریخ مبارزات توده‌های جهان شاهد آنیم.

خط سیر‌هایی از استثمار داخلی و استعمار خارجی تنها و تنها با همبستگی مبارزات زنان، کارگران، دانشجویان و دیگر اقشار فرودست و زحمتکش جامعه می‌تواند رو به سوی خورشید نان، کار، آزادی حرکت کند.

ما دانشجویان در روز آزادی‌خواهی‌مان این را لازم می‌دانیم، دوباره و دوباره تکرار کنیم که اجازه نمی‌دهیم هیچ صدای حق‌طلبانه‌ای اگرچه با گلوله بسته شد، خاموش و فراموش شود، حتی اگر زیر سیلان خون باشد.

**روی پاهایمان می‌میریم، اما روی زانوهایمان زندگی نمی‌کنیم» •**

که فواصل دیمه‌ها و آبان‌ماه‌های تقویم‌مان نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود و این نشان از تنگ و تنگ‌تر شدن حلقه‌ی داری دارد که برگردن معیشت طبقات فرودست و زحمتکش جامعه‌ی ما است. طبقاتی که اقتصاد را بر بازوان رنج کشیده‌شان به پیش می‌برند، اما امان از ساختار سیاسی و اقتصادی حاکم بر کشور، ساختاری بنیان نهاده بر مبنای سرمایه که هر روز بوی گندی از سر بده بستان‌های قدرت و ثروت در آن شنیده می‌شود؛ صد اما و اگرهایی که اگر چه می‌دانیم، صرفاً بیان و توصیف‌شان از هیچ یک از دردهای جان به لب رسیدگان کم نخواهد کرد.

دانشگاه خود زخم خورده‌ی این ساختار سیاسی اقتصادی است؛ آنگاه که سیاست‌های کلان کشور بر سر خصوصی‌سازی و پولی‌سازی آموزش، مدارس و دانشگاه‌ها را درنور دیده و حق تحصیل را برای فرزندان فرودستان ناممکن می‌کند و آموزش را کالایی پر زرق و برق در بازاری که نقاب دانشگاه بر چهره دارد، جلوه‌گر می‌سازد. ما دانشجویان فراسوی زندگی دانشجویی به نقطه‌ی تاریک بیکاری و یا بیکاری می‌رسیم؛ وقتی به دنبال علل این تاریکی‌ها می‌گردیم باز به همان حلقه‌داری می‌رسیم که بر گردن طبقات فرودست آویخته شده و به واسطه تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌محور حاکمیت در تمام اشکال و مظاهرش به وجود آمده است؛ حاکمیتی که حتی گوشه چشمی باز نمی‌کند تا شاهد فوابع اطرافش باشد. چرا که ماهیت‌اش به او اجازه چنین کاری نمی‌دهد.

اما این تمام رمان دانشگاه و دانشجو نیست؛ جنبش دانشجویی صنفی در دهه نود بنای سکوت در برابر این سیاست‌گذاری‌ها را در پیش نگرفت؛ کاسبان این بازار اما نتوانستند صدای حق‌طلبی جریان فعالیت صنفی در دانشگاه را برتابند؛ از اینرو از راه‌های امنیتی‌سازی فضای دانشگاه‌ها و اخته‌سازی سیاسی دانشجویان وارد شدند و چه بسیاری فعالین صنفی دانشجویی که رو در روی پولی‌سازی آموزش ایستاده‌اند و احکام درون دانشگاهی، همچون محرومیت از تحصیل و احکام سنگین قضایی از سوی نهادهای خارج از دانشگاه را در چشم‌انداز سالیان جوانی‌شان دیده‌اند. اینجاست که باید به گوش دوستان در بندمان برسانیم که ندای «دانشجوی زندانی آزاد باید گردد!» از سوی رفقای‌شان در دانشگاه‌های نو شیروانی به گوش می‌رسد.

مسئله زنان، مسئله بنیادین جامعه ماست. زنان توسط سیستم سرمایه‌دارانه موجود، استثمار می‌شوند؛ حق انتخاب نوع پوشش از آن‌ها سلب شده است. برای تحصیل، ازدواج و ... نیازمند اخذ اجازه از مردان هستند و ساز و کارهایی دیگری که فرودستی آنان را تقویت می‌کنند. اما مسیر درستی در حال پیمایش است. در چند سال اخیر، شاهد محوریت مسئله زنان در هسته اصلی اعتراضات بوده‌ایم. جایگاه زن در جامعه ما از عضوی منفعل در اندرونی‌ها، به هدایت تعدادی از سیاسی‌ترین مطالبه‌ها ارتقا یافته است. سیستم مردسالار موجود اما در مواجهه با صدای اعتراض زنان و در مواجهه با این تضاد، چاره‌ای جز



## «سویه اصلی مطالبات کارگری

### فی نفسه علیه نئولیبالیسم

است»

مقاله زیر برگرفته از کانال سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه است که توسط «حسین اکبری»، فعال سندیکایی، به رشته تحریر درآمده است. وی با دقت و ظرافت تمام خصلت و ویژگی‌های مبارزه صنفی و معیشتی کارگران و تعرض بورژوازی حاکم در قالب سیاست‌های نئولیبالی به حقوق اولیه مزدبگیران را برشمرده و آن را با مبارزه بر ضد سرمایه‌داری و امپریالیسم پیوند زده است. این فعال سندیکایی تجویز نهادهای امپریالیستی، تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و مدافین «بازار آزاد» و سیاست‌های نئولیبالی را مورد نقد قرار داده است و به جریانات منحط سلطنت‌طلبان و راست و هوادار امپریالیسم، که دانشجویان مبارز و انقلابی ایران را در شانزده آذر امسال به خاطر برافراشتن پرچم مبارزه بر ضد نئولیبالیسم مورد حمله قرار داده‌اند، برخورد کرده است. ما به خاطر اهمیت این موضوع مهم کارگری و جهت‌گیری صحیح این مقاله ارزشمند آنرا به چاپ می‌رسانیم.

هیأت تحریریه

\*\*\*

### «سویه اصلی مطالبات کارگری فی نفسه علیه

نئولیبالیسم است».

مبارزات صنفی - طبقاتی کارگران ضد امپریالیستی است!

شعار دانشجویان معترض نزدیک‌ترین درک به واقعیت کنونی است!

۱- خواسته‌های کارگران ایران در چهار عرصه مهم به شکلی کاملاً درهم‌تنیده و جدانشدنی، صورت‌بندی می‌شود. این چهار عرصه عبارتند از:

**یکم: مزد و معیشت**

**دوم: امنیت شغلی و اجتماعی**

**سوم: سازمان‌یابی آزاد و مستقل**

**چهارم: لغو خصوصی‌سازی**

شرح این مطالبات کارگران را در مقاله‌ای در وبلاگ «کار در ایران» در اردیبهشت ۱۳۹۸ به مناسبت روز جهانی کارگر نوشته‌ام و در اینجا از پرداختن مجدد به آن خودداری می‌کنم.

۲- نقطه مقابل این خواسته‌ها دقیقاً سیاست‌هایی است که بنا به تجویز نهادهای امپریالیستی و مدافین بازار آزاد و سیاست‌های

نئولیبالیستی در ایران رواج داده شد.

نهادهای شناخته شده سازمان تجارت جهانی - صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و نهادهای مکملی، که زمینه و بستر چنین سیاست‌هایی را فراهم می‌سازند، این سیاست‌ها را هم تحت عناوینی که متضمن برقراری قواعد نوشته و نانوشته بازار آزاد باشند، به اشکال و در موقعیت‌های گوناگون به نظام سیاسی ایران ارایه دادند. دیدگاه پذیرنده‌ی این قواعد پس از جنگ، دیدگاه هاشمی رفسنجانی و به دلیل نزدیکی دولت او به این نهادها برای کسب امتیازاتی چون دریافت وام و عضویت در سازمان تجارت جهانی بود که این پیشنهادات به عرصه سیاسی - اقتصادی ایران ورود پیدا کرد. این قواعد عبارت بوده اند از:

- مقررات زدایی از روابط و مناسبات کار

- حذف نفوذ اتحادیه‌های مستقل و آزاد کارگری از طریق نادیده گرفتن قوانین ملی و بین‌المللی در اینباره نظیر سیاست‌هایی که تاچر و پس از او به پیش بردند.

- لغو محدودیت‌ها از سیاست‌های گمرکی

- لغو مقررات تهدید و تحدیدکننده در سرمایه‌گذاری از سوی دولت‌ها و انواع دستورعمل‌های مکملی، که در فرایند تن‌در دادن کشورها به ویژه کشورهای پیرامون برای آن‌ها وضع می‌گردد و تأیید و امضای آن از سوی دولت‌ها ضروری است.

- حذف سوبسیدها و آزادسازی قیمت‌ها

۱- نتایج رواج سیاست‌های نئولیبالیستی بالا در ایران عبارت بوده‌اند از تحولات جدی بعد از پایان جنگ ایران و عراق توسط دولت سازندگی به زعامت هاشمی رفسنجانی که با کاربست و پیشبرد شیوه تعدیل ساختاری در ایران آغاز شد و مجموعه‌ای از اقدامات را هم در حوزه قانون‌گذاری و هم در حوزه اجرایی و با حمایت دستگاه قضایی به پیش رفت برخی از این اقدامات عبارتند از:

- تفسیر اصولی از قانون اساسی از جمله اصل چهل و چهار برای فراهم آوردن غیرقانونی واگذاری اموال و منابع عمومی به بخش خصوصی.

- لغو مقررات قانونی در هر عرصه‌ای که مخل مناسبات بازار آزاد است، از جمله لغای قراردادهای دایم و رواج قراردادهای موقت بدون هیچ‌گونه مقررات و ضوابط کنترلی

- ایجاد و گسترش مناطق آزاد تجاری و ویژه اقتصادی بدون پذیرش قوانین و مقررات ملی و مقاله‌نامه‌های بین‌المللی در حوزه روابط کار در این مناطق .

- اعمال سیاست‌های دولتی در خصوص ارزان‌سازی نیروی

سخت و سخت‌تر می‌کند.

۲- خصوصی‌سازی در سایر حوزه‌های به ظاهر غیرمرتبط با روابط کار نیز در زندگی کارگران تأثیرات بسزا و کاملاً زیان‌بخشی داشته است. آنچه در خصوصی‌سازی مدارس و دانشگاه‌ها نتیجه می‌شود، در زندگی کارگران و زحمتکشان تبعات زیانبار اقتصادی و اجتماعی به بار آورده و خواهد آورد. هزینه‌های ناشی از حذف اصل تحصیل رایگان در قانون اساسی و رشد قارچ‌گونه مدارس غیردولتی و کالایی‌سازی تحصیل در مراتب مختلف از پیش دبستانی تا تحصیلات عالی و دانشگاهی، دست‌آوردی جز افزایش نرخ بی‌سوادی و عدم راه‌یابی فرزندان زحمتکشان به دانشگاه‌های پر هزینه نداشته است و در واقعیت به افزایش شکاف طبقاتی و عدم توزیع نابرابر و ناعادلانه امکانات اقتصادی و اجتماعی و توسعه نایافتگی نیروی انسانی گردیده است و طبیعی است که موجب بروز بسیاری مطالبات عمومی برای کارگران نیز خواهد شد که مبارزات آنان را عمق و غنای طبقاتی بیشتری می‌بخشد.

به این ترتیب چرا نمیتوان چنین دریافت که مبارزه کارگران و زحمتکشان در راستای چهارگانه بالا یعنی مزد و معیشت - امنیت شغلی و اجتماعی - سازمان‌یابی آزاد و مستقل و لغو خصوصی‌سازی منابع عمومی مبارزه‌ای است که برای تأمین خواسته‌های معین و ناگزیر به مقابله مستقیم یا غیرمستقیم با نئولیبرالیسم می‌انجامد؟

آنگاه که کارگران برای افزایش دستمزد متناسب با سبب معیشتی که هزینه‌های خانوار را نمایش می‌دهد و آن مزد را برپایه معیشت استاندارد یک خانوار حداقلی ۳،۳ نفر طلب می‌کنند؛ دقیقاً مقابله با آن سیاست نئولیبرالیستی که ارزان‌سازی نیروی کار را رقم زده است و در کمترین میزان، خواهان بازتولید مناسبات پیش از آن است که مزد را با معیارهای پذیرفته‌شده ملی و معیار بین‌المللی چون کنوانسیون‌های تعیین حداقل دستمزد را قانونمند کرده است، درست است که مطالبه مزد امری صنفی و اقتصادی است اما آنجا که همین موضوع مزدی به عنوان تشویق به سرمایه‌گذاری از سوی دولت به سرمایه‌داران پیشکش شد و سرکوب مزدی به فاجعه‌بارترین شکل آن هر ساله پی گرفته شده است؛ مبارزه برای مزد عادلانه در نفس خود مبارزه‌ای است علیه نئولیبرالیسمی که میزان سلطه آن در کشور به هر میزان که باشد تعیین کننده است.

تمامی دولت‌ها آنجا که دست سرمایه‌داران اعم از داخلی و سرمایه‌داران خارجی مستقر به ویژه در مناطق آزاد تجاری از قوانین بازار آزاد را باز باز گذاشته‌اند و آنها به خاطر آرامش ناشی از نبود اراده جمعی کارگران در قالب سازمان‌های کارگری هرگونه حقوق کارگران را نادیده می‌گیرند. در واقع از اعمال همان سیاست‌های نئولیبرالی سود برده و می‌برند که به استقرار آنها از سوی خودشان انجامیده است. کارگران برای تأمین اراده جمعی خود از طریق تشکل‌های مورد قبول‌شان

کار و تحمیل تصمیمات دولت‌ها و کارفرمایان در پایین‌نگه داشتن حداقل دستمزد به منظور فراهم کردن نیروی کار ارزان برای جلب توجه سرمایه‌گذاران به ویژه سرمایه‌گذاران خارجی.

- محدودیت‌های قانونی و فراقانونی در راه ایجاد سازمان‌های کارگری از طریق نادیده گرفتن اصولی از قانون اساسی و مقاله‌نامه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی به منظور سلب اراده جمعی نیروی کار در روابط کار در سطوح مختلف.

- لغو حمایت‌های قانونی از کارگران و نقض این حمایت‌ها و جایگزینی حمایت‌های قانونی برای کارفرمایان در تنظیم قراردادهای کار به منظور مطیع‌سازی کارگران در روابط کار.

- کاهش هزینه‌های پولی و مالی کارفرمایان از طریق خارج‌سازی گروه قابل توجهی از کارگران از شمول قانون کار و بی‌اثر کردن مواد قانونی مربوط به جرایم کارفرمایان در نقض مقررات موجود در قانون کار و در نهایت کاهش تعهدات قانونی در نتیجه لغو این مقررات.

- رواج مقررات غیرقانونی یا توسل به شیوه‌های شبه‌قانونی نظیر مصوبات دولتی در بکارگیری نیروی کار رایگان تحت عنوان استاد شاگردی و سیاست‌های کاروری که نیروهای آماده در بازار کار از جمله دانشجویان را نیز شامل گردید.

اضافه بر این و در راستای سیاست آزادسازی مقررات گمرکی و سرمایه‌گذاری نیز همراه با اجرای تعدیل ساختاری زمینه‌ساز جدی برای از بین رفتن زیرساخت‌های تولید داخلی و تولید گران کالا به دلیل عدم جایگزینی ساختارهای مبتنی بر تکنولوژی روزآمد، موجب بیکارسازی هرچه بیشتر کارگران شاغل و عدم تأمین اشتغال گردید و به موازات آن واردات بی‌رویه کالا به رشد گرایش کار خدماتی در برابر کار مولد افزود. نتیجه آنکه تعداد قابل توجهی از نیروهای کار متخصص از کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی جدا شدند و به صفوف کارگران خدمات پیوستند. کالاهای خارجی بازار را به تصاحب خود درآوردند و آنجا هم که هزینه واردات به رغم کاهش تعرفه‌های گمرکی سود مورد انتظار سرمایه‌داری تجاری و دلال را تأمین نمی‌کرد، اسکله‌های قاچاق کالا، که خود از مظاهر فرون‌خواهی سرمایه‌ی مقررات‌گریز را نمایش می‌دهد، موجبات تأمین سود هرچه بیشتر را فراهم ساخت.

باتصویب و اجرای آزادسازی قیمت‌ها و حذف سوبسیدها (تحت عنوان فریبنده هدفمندسازی یارانه‌ها) و تأثیرات تومی آن از یکسو و کوچک‌تر شدن سفره کارگران و زحمتکشان از سوی دیگر، مکمل دیگری برای ارزان‌سازی و مطیع‌سازی نیروی کار ایجاد شد. تبعات این سیاست در ادامه افزایش نرخ حامل‌های انرژی نیز همچنان که زندگی همه مزد و حقوق‌بگیران و تأسف‌بارتر زندگی بیکاران و فرودستان را فلاکت‌بار کرده است، زندگی کارگران را نیز بیش از پیش



## سخنرانی درخشان یکی از دانشجویان مبارز و آگاه میهنمان در تجمع روز دانشجو در دانشگاه علامه طباطبائی

این دانشجوی مبارز و عدالت‌خواه ضمن تأکید بر مبارزه علیه استبداد داخلی، استعمار، نیروهای امپریالیستی و تحریم و تهدید به تجاوز نظامی، سیلی محکمی نیز بر سیمای زرد اپوزیسیون ارتجاعی، بویژه بقایای منفرسلطنت پهلوی، کوید و وصف دانشجویان و مردم ایران را از اجانب جدا ساخت. وی در بخشی از سخنان خود گفت: «آیا اپوزیسیونی که می‌خواهد با ابزار جنگ و تحریم و به بهای زندگی روزمره مردم قدرت را بدست بیاورد، می‌تواند دلیل واقعی عرضه کند؟ نسبت این اپوزیسیون با کودتای سال ۳۲، با کشتار میدان ژاله و با سرکوب‌گری‌های خونین ساواکی، آیا این اپوزیسیون به دنبال همان نظم منحط نیست؟ که امروز مردم فرانسه و شیلی را به خیابان‌ها کشانده؟»

در زیر عین سخنرانی را که به صورت مکتوب تنظیم شده است، ملاحظه فرمایید:

\*\*\*

«صف ما با حقیقت چیست؟ اگر در وضعیتی هستیم که هیچ پروژه سیاسی مترقی نمی‌یابیم، اگر در وضعیتی هستیم که جان مردم به لب‌شان رسیده و پاسخ هر اعتراضی چماق و گلوله است، اگر می‌بینیم که با وقاحت می‌خواهند این جنایت‌ها و کشته‌شدگان انسان‌های بیگناه را با پرداخت دیه بشویند، وظیفه ما در این میانه چیست؟ ما که بار دیگر در میانه دوگانه تاریخی و ارتجاعی خاورمیانه، یعنی استبداد داخلی و استعمار خارجی قرار گرفته‌ایم، نسبت‌مان با شهدای روزگار چیست؟ شهدائی که پس از کودتای ننگین ۳۲ پای حقیقت ایستادند، حتی اگر هزینه پافشاری بر حقیقت جان‌شان را فدا کردند. آری همه

ناگزیر از مبارزه با رویکردی است که این امتیاز و حق اجتماعی را از آنها ستانده است و آن رویکرد امروز بر زندگی و حیات کارگران ایران مسلط گردیده است و فارغ از اینکه چه دولتی با چه گرایشی (اعم از اصلاح‌طلب یا اصولگرا) بر سرکار باشد، آن رویکرد را همواره تقویت می‌کند. کارگران برای حق برخورداری از اراده جمعی خود در قالب سازمان‌هایی که خود شکل می‌دهند، ناگزیر از مقابله با کارفرمایان و دولت‌های مدافع این رویکرد نتولیبرالی هستند. گرچه خود واقف به چگونگی استقرار چنین سیاست ضدکارگری و نظریه‌پردازان آن نباشند اما در عمل به بنیان‌های فکری نتولیبرال خواهند تاخت. این امری است ناگزیر! نمی‌توان مبارزه کارگران برای بهبودخواهی و تأمین شرایط بهتر برای یک زندگی انسانی را از مبارزه علیه سرمایه‌داری، آنهم از نوع نتولیبرال آن، که اتفاقاً در ایران پیش از هر عرصه‌ای در روابط و مناسبات کار استقرار یافته است، جدا ارزیابی کرد. بارها گفته‌ایم که دولت‌ها در ایران به رغم همه اختلاف‌هایشان بر سر شیوه حکومت‌گری (که از قضا اثبات شده است که این تفاوت‌ها در جهت منافع جناحی است و ربطی هم به مردم ندارد) تنها در یک عرصه بیشترین حد از تفاهم را دارند و آن در مقابله با کارگران و مطالبات آنان است و با توجه به جذابیت مناسبات نتولیبرالی این عرصه به اولین آوردگاه و آماج مشترک این جناح‌ها بدل شده است. در جریان اعتراضات اخیر به افزایش بهای بنزین و به دنبال آن سرکوب‌خشن و بی‌رحمانه معترضین، دانشجویان دانشگاه‌های سراسر ایران به مناسبت ۱۶ آذر ۱۳۳۲ و به پاسداشت یاد و خاطره شهیدان دانشگاه در شعارهای خود «علیه نتولیبرالیسم در همه جهان» را یادآور شدند. درستی این شعار با تکیه به این واقعیات مناسبات سرمایه‌دارانه در ایران و کشورهای فرانسه، شیلی، لبنان، عراق و سایر کشورهایی که شاهد خیزش‌های ضدنتولیبرالی هستند، بیانگر درک واقعی آنان از مبارزاتی است که از قضا راست‌گرایان را در اپوزیسیون نتولیبرال و سلطنت‌طلب خوش‌نیامده است. کاملاً بدیهی است که دانشجویان معترض در فضا و زمان اندک دایماً تهدید شونده و امنیتی قادر نبودند تا انگیزه خود را در قالب تحلیلی از این شعارها ارایه دهند و بدیهی‌تر آنکه تظاهرات دانشجویی در ۱۶ آذر و احتمالاً روزهای بعد در شرایطی طرح می‌شود که باران آنها بی هیچ دلیل روشنی از خوابگاه‌ها و خانه‌هایشان دستگیر و بازداشت شده‌اند و این تظاهرات اعتراضی از کمترین حاشیه امنی هم برخوردار نبود و طرح شعارها بدون تفاسیر و تحلیل‌های همراه با آن و یا انتشار بیانیه در همان فضا هیچ‌گاه محل اشکال نیست؛ آنچه محل اشکال است نه در شعار دانشجویان که در تمایل راست‌گرایانی است که با موضع‌گیری علیه دانشجویان نشان دادند که مخالفت آنان با نظام سیاسی مسلط، به هیچ روی بنیادین نیست و در هر صورت و به فرض نوعی حضور دوباره در ایران، تکیه بر پیشبرد همان سیاستی را دارند که سرمایه‌ جهانی به آنان حکم می‌کند و لاغیر».



## درد دل کوتاه یک دانشجو از

### ایران

«من هم علاقه داشتم در مورد مسائل اخیر ایران نوشته‌ای از شما بخونم..... احتمالاً شبیه شما مسائل و می‌بینم.

..... شدت کشتار و سرکوب وحشیانه‌ای که به قربانیانش دیگه همیشه به راحتی انگ سیاسی زد. استیصال دولت، از روحانی تا نماینده‌های مجلس در اظهار نظر و چرخش گفتار رهبر که بدون همون اندک ملاحظات همیشگی، بسیج و سپاه رو مامور سرکوب مردمی کرد که نه مستضعف، بلکه اشرار بودن!! حمایت منفعل اروپا و اظهار نظر شک‌برانگیز و سوءاستفاده سران آمریکا در مورد اعتراضات مردم و همراهی ابلهانه اپوزیسیون که فقط رنگ منفعت‌طلبی داشت و بهانه بیشتری به دست حکومت داد که معترض‌ها رو وابسته یا فریب خورده جلوه بده.

هرچند هیچ چیز زندگی‌های از دست‌رفته رو برنمی‌گردونه، اما به نظرم این اتفاقات چشم‌همه‌ی مردمو بیشتر باز کرد. کسانی که همیشه رهبر رو از سیاست‌های ظالمانه دولت تطهیر میکردن. کسانی که به اصلاحات امید داشتن و منتظر منجی‌های در حصر بودن یا طبقه متوسطی که فکر میکرد راه زیادی تا فقر در پیش داره و نباید خودشو درگیر اعتراضی بکنه که بر سر نان به راه افتاده نه احقاق آزادی‌های مدنی - که در سایه این انبوه گرسنگی و غارت اموال عمومی بیهوده بنظر میرسه.

واقعاً با مسائل یکسال اخیر، اتفاقاتی که در کتاب دکترین شوک، از چهل سال پیش آمریکای لاتین روایت شده بود، برام تداعی شد. سیر صعودی خصوصی‌سازی و کم کردن تعهدات دولت در قبال خدمات اجتماعی و شکاف طبقاتی که روز به روز عمیق‌تر میشه. لااقل خوش‌شانسی ما در اینه که میتونیم از گذشته درس بگیریم.

من احساس ناامیدی ندارم. میشه از این مرحله خشم و ترس عبور کرد و تسلیم القای ناتوانی نشد.

ما اولین مردم قربانی نابرابری نیستیم و آخری هم نخواهیم بود».

می‌دانند، اما چه کسی آنرا به زبان می‌آورد؟ در شرایطی که هم کلاسی‌هایمان به جای کلاس درس در دادگاه‌ها و بازداشت‌ها و بازپرسی‌ها و کمیته‌ها در رفت و آمد هستند، در شرایطی که صدها کشته و هزاران بازداشتی از اعتراضات گذشته از جای مانده، در شرایطی که وابستگان نظم منحن جهانی از درد این مردم برای خود کیسه دوخته‌اند، اگر ما دانشجویان حقیقت را بر زبان نیاوریم، چه کسی این صدا را بلند خواهد کرد؟ به جرأت می‌توان گفت که ترکیب نظم استبدادی با سیاست‌های اقتصادی کاسب‌کارانه دولت‌های مختلف در دهه‌های گذشته به فاجعه وضعیت کنونی منجر شده است. اگر کودتای سال ۸۸ به صورت عریان، جمهوریت را هدف گرفت، اعتراض‌های سال‌های گذشته نشان داده است که در تمامی این سال‌ها به صورت تدریجی و خزنده، عدالت اجتماعی نیز به محاق رفته است و پاسخ حکومت به واکنش‌های مسالمت‌آمیز مردم به این فجایع چه بوده است؟ آیا چیزی بجز به‌گیروبه‌بند و سرکوب نصیب مردم شده؟ باید بگوئیم که اگر حکومت آنقدر از مردم فاصله گرفته که نه درد آنها را می‌فهمد و نه تحمل شنیدن صدای آنها را دارد، و حتی مستضعفان را هم تکیه‌گاه خودش ارزیابی نمی‌کند، پاسخ نیروهای به اصطلاح بدیل نیز دست کمی از این فاجعه ندارند. آیا اپوزیسیونی که می‌خواهد با ابزار جنگ و تحریم و به‌بهای زندگی روزمره مردم قدرت را به‌دست بیاورد، می‌تواند دلیل واقعی عرضه کند؟ نسبت این اپوزیسیون با کودتای سال ۳۲، با کشتار میدان ژاله و با سرکوب‌گری‌های خونین ساواکی، آیا این اپوزیسیون به دنبال همان نظم منحن نیست؟ که امروز مردم فرانسه و شیلی را به خیابان‌ها کشانده؟ شعار دست جمعی: «ایران ما چون ژاله شد، باغ وطن پر لاله شد» آن به اصطلاح اصلاح‌طلبانی هم که هنوز خون مردم خشک نشده به دنبال فضا‌سازی برای انتخابات آینده هستند، آنها در حالی که صراحتاً بر ادامه سیاست‌هایی اصرار دارند که معیشت روزمره مردم را هدف گرفته، آنها در شرایطی که از محکوم کردن سرکوب معترضین نیز ابا دارند، عملاً ثابت کرده‌اند که بخشی از وضعیت موجودند. شعار دست جمعی: «میلیون‌ها بیکار، حکومت کاسب‌کار». آری ما در میانه چنین وضعی قرار گرفته‌ایم که هیچ‌گونه روزنه امیدی نیست، اما پافشاری در حقیقت راه‌ها را نیز می‌گشاید. در میانه تباهی وضع موجود، ما دانشجویان به عنوان بخشی از این مردم تنها می‌توانیم بر خودمان تکیه کنیم. راه ما سیاست مردمی و مقاومتی متحد در برابر وضع موجود می‌باشد؛ درد ما مشترک است. دانشجویان، معلمان، کارگران و زنان با به صحنه آمدن‌شان در سال‌های گذشته نشان داده‌اند که هنوز هم مسئله دموکراسی است اما نه آن دموکراسی که نسبت به زندگی مردم و عدالت اجتماعی بی‌طرف باشد. امروز روز دانشجوست، درد مشترک را فریاد کنیم! و در آخر شعار دست‌جمعی: «آبانماه امساله، کشتار میدان ژاله».

## تقدیم به گل‌های پَپر شده در

## تظاهرات آبانماه ۱۳۹۸

## «لاله‌های سرخ»

خنده برب‌ها دگر خشکیده است  
 شور هستی از دلم برچیده است  
 در هوایِ سردِ این دوران تار  
 رخوتِ پیری به جان تاریده است  
 من به غربت، سر به سودایِ وطن  
 اشکِ خونباری به چشم و دیده است  
 خونِ گرمِ عاشقانِ باغِ عشق  
 در ره آزادگی شوریده است  
 لاله‌های سرخِ زیبایِ بهار  
 در سیّه فصلِ خزان رویده است  
 دشتِ ما پُر گشته از انبوهِ گل  
 نَم‌نم باران بر آن باریده است  
 باغبان با دستِ خون‌آلودِ خویش  
 غنچه‌ها را از گلستان چیده است  
 بیدار باش ای حافظِ گل‌های سرخ  
 این دل از رنگ و ریا ترسیده است  
 دزدِ دیروز در مجالِ فرصتی است  
 حول و حوش باغِ گلِ خوابیده است  
 باز می‌بینم لاله‌ی سرخی به خاک  
 در میانِ خونِ خود غلطیده است  
 جان فدایِ این گلِ خوش بویِ باغ  
 کین چنین عطرش به جان پیچیده است  
 زنده شد بار دگر یعقوب لیث  
 مامِ میهن بر خودش بالیده است  
 ناشناس ۶ دسامبر ۲۰۱۹



## «کولبر»

دست می‌کشد به یخچال  
 سردش می‌شود  
 دست می‌کشد به تلویزیون  
 سردش می‌شود  
 دست می‌کشد به ضبط صوت  
 سردش می‌شود  
 دست می‌کشد به اجاق گاز  
 و پایش تا زانو در برف گیر می‌کند

سرد است این اثاث  
 سرد است این اتاق  
 سرد است این خورشید  
 سرد است این کوه  
 سرد است این مسیر  
 و هرچقدر پتو بکشی بر این خانه  
 گرم نمی‌شود

شلیک کن  
 مگر گلوله گرم کند تنِ این کولبرِ کُرد را ...

«بابک زمانی»

پاکستان بر علیه تزه‌های ارتجاعی ارائه شده در کنگره ۲۰ حزب کمونیست شوروی ایستادند. او تا آخرین نفس به آموزش‌های لنین و استالین وفادار ماند.

یادش گرامی باد!  
حزب کار ایران (توفان)

\*\*\*

پیام تسلیت به «جبهه کارگران پاکستان» ( پاکستان مزدور محاذ)

رفقای گرامی،

با تأثر فراوان، خبر درگذشت رفیق طفیل عباس را دریافت کردیم.

رفیق طفیل زندگی خود را وقف مبارزه برای رهایی کارگران و زحمتکشان پاکستان نمود. این رفیق، کمونیستی با تجربه و آبدیده بود که تعداد کثیری هوادار و کادر حزبی تربیت نمود. موضع شجاعانه رفیق بر علیه رویزونیست‌ها در دهه ۱۹۶۰ بیانگر اصولیت و خصوصیت انترناسیونالیستی او بود.

حزب کار ایران (توفان) عمیق‌ترین تسلیت خود را به «جبهه کارگران پاکستان» و به خانواده و دوستان رفیق طفیل ارسال می‌دارد. ما اطمینان داریم که رفقای پرچم مبارزه برای رهایی زحمتکشان پاکستان و سوسیالیسم را همچنان برافراشته نگاه خواهند داشت.

حزب کار ایران (توفان)

۱۰ سپتامبر ۲۰۱۹



## طفیل عباس (۱۹۲۷-۲۰۱۹)،

## کمونیست برجسته پاکستانی

«طفیل عباس» (۱۹۲۷-۲۰۱۹)، کمونیست برجسته و رهبر «جبهه کارگران پاکستان - پاکستان مزدور محاذ»، پس از یک دوره طولانی بیماری در سن ۹۲ سالگی درگذشت.

رفیق طفیل، یکی از بنیان‌گذاران حزب کمونیست پاکستان در سال ۱۹۴۸، بنیان‌گذار اتحادیه «کارگران و کارمندان خطوط هوایی پاکستان» در اوائل دهه ۱۹۵۰، که به جبهه سراسری کارگران پاکستان گسترش یافت، و بنیان‌گذار «بنیاد ملی دانشجویان» و در صف اول مبارزه بر علیه حکومت نظامیان و امپریالیسم و فئودالیسم بود.

رفیق طفیل مسئولیت حزب در شهر کراچی را برعهده داشت که به خاطر رهبری اعتصاب کارگران خطوط هوایی پاکستان در سال ۱۹۵۴ دستگیر، شکنجه و زندانی می‌شود. او یکبار دیگر در سال ۱۹۶۰ در دوره حکومت نظامی «ایوب خان» و به دنبال دستگیری «حسن ناصر» و دیگر رهبران حزب کمونیست پاکستان در ۱۹۶۰ دستگیر و شکنجه می‌شود. حسن ناصر در زیر شکنجه در زندان مخوف لاهور جان داد ولی راز نداد.

رفیق طفیل به‌مراه یارانش بیش از ۶ دهه جنبش کمونیستی پاکستان را هدایت کرد. او سردبیر نشریه «منشور»، ارگان مرکزی حزب کمونیست پاکستان بود که در دوران «ذولفقار علی بوتو» ممنوع چاپ شد. رفیق طفیل در سال ۱۹۸۹ این نشریه را بازسازی کرد و چاپ مجدد آنرا از سر گرفت.

در دهه ۱۹۶۰، رفیق طفیل با شهادتی تحسین‌آمیز بر علیه رویزونیست‌های خروشجفی موضع گرفت و او و یارانی که به گرد او جمع شده بودند، در صف اول مبارزه کمونیست‌های





## پیام حزب کار ایران (توفان) به نهمین کنگره حزب کمونیست اسپانیا (مارکسیست - لنینیست) PCE M-L

نمایندگان گرامی شرکت کننده در کنگره،

حزب کار ایران (توفان) درودهای انقلابی خود را به نهمین کنگره حزب شما ارسال می‌دارد و برای کنگره در انجام وظائف آن برای برداشتن گام به سوی برپائی یک جنبش قدرتمند کمونیستی برای انقلاب پرولتری در اسپانیا موفقیت کامل آرزو دارد.

حزب کمونیست اسپانیا (مارکسیست - لنینیست)، به عنوان پیشاهنگ طبقه کارگر اسپانیا، بر علیه حاکمیت سلطنتی بورژوازی، بر علیه سرکوب مردم کاتالانی و ملیت‌های دیگر، برای تعیین حق سرنوشت خویش و بر علیه نژادپرستی و عروج فاشیسم مبارزه می‌کند. حزب شما با سوسیال لیبرال‌های PSOE (حزب کارگران سوسیالیست - توفان)، با فرمیسم و رویزیونیسم مرزبندی روشن دارد. حزب کمونیست اسپانیا (مارکسیست - لنینیست) نیروهای چپ جامعه را برای اتحاد علیه سرکوب بورژوازی و برای حل مشکلات اجتماعی فراخوانده است. حزب شما مبارزه ملیت‌ها برای حقوق مشروع خود را با دیگر مطالبات طبقه کارگر اسپانیا به مثابه یک کل پیوند داده است. این مبارزات بسیار شکوه‌مندند، مبارزاتی که هر انقلابی و کمونیست به آن افتخار می‌کند.

رفقای گرامی،

حادث شدن مداوم بحران‌های سیستم سرمایه‌داری، تجاوز به توده‌ها توسط امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و نماینده سیاسی آن دونالد ترامپ، تشدید تضاد بین کشورهای امپریالیستی، تجاوزات نظامی و جنگ‌های تعرضی، هر کدام‌شان لزوم تشکیل جبهه‌ای وسیع و مبارز توده‌ای برای دفاع از حقوق مردم سراسر جهان را نشان می‌دهد. فراخوان حزب شما به نیروهای مترقی برای مبارزه مشترک، به تشکیل چنین جبهه‌ای کمک می‌کند. ما اطمینان داریم که کنگره حزب شما مسیر مبارزه طبقه کارگر، مبارزه جوانان، زنان و دیگر اقشار مردمی جامعه را برای انقلاب و سوسیالیسم ترسیم می‌کند.

زنده باد نهمین کنگره حزب کمونیست اسپانیا (مارکسیست - لنینیست)!

زنده باد سوسیالیسم!

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

حزب کار ایران (توفان) دسامبر ۲۰۱۹ •



## درگذشت رفیق «متین ایلقون» از حزب کار ترکیه

رفیق «متین ایلقون»، عضو «کمیته اجرائی سراسری» حزب کار ترکیه پس از یک دوره بسیار کوتاه نبرد با بیماری سرطان در سن ۵۸ سالگی در ۹ نوامبر ۲۰۱۹ درگذشت.

رفیق متین، عضو رهبری حزب کار ترکیه در شهر استانبول بود و مسئولیت‌های زیادی را در همه سطوح حزبی بر عهده داشت. او در بنیان‌گذاری روزنامه «اورنسل» و نشریه هفتگی «گرچک» شرکت داشت و پس از آن به عنوان عضو هیأت تحریریه «اخبار اتحادیه‌های کارگری» فعالیت داشت.

رفیق ایلقون به دنبال کودتای نظامی ۱۹۸۰ بخ مدت ۱۱ سال به اتهام عضویت در «حزب کمونیست انقلابی ترکیه» در زندان به سر بُرد. همه او را به خاطر سخت‌کوشی و وفاداری به مبارزه طبقه کارگر، کمونیستی نمونه می‌دانستند.

راه سرخش پُر رهرو باد!

\*\*\*

## پیام تسلیت به رفقای حزب کار ترکیه (امپ)

ما به مناسبت درگذشت رفیق کمونیست، «متین ایلقون»، عمیق‌ترین تسلیت خود را به حزب کار ترکیه، به خانواده و دوستان این رفیق مبارز بیان می‌کند و همبستگی خود را اعلام می‌داریم. حزب کار ایران (توفان) خود را در اندوه شما شریک می‌داند. مردم ترکیه یکی از بهترین فرزندان خود را از دست داد، رفیقی که زندگی خود را وقف آرمان انقلابی طبقه کارگر کرده بود.

یاد رفیق متین گرامی باد!

حزب کار ایران (توفان) ۱۰ نوامبر ۲۰۱۹ •



بیکار ستاد سندیکائی فرانسه

## برعلیه طرح بازنشستگی امتیازی مکرون

می‌کند. مدتی است که کارگران و کارمندان پالایشگاه‌های نفتی، مراکز صنعتی شیمی و برخی شرکت‌های خصوصی در اعتصاب‌اند. سمپاتی و حمایت مردم از جنبش جاری و اعتصاب لوکوموتوررانان، کارکنان شرکت اتوبوس‌رانی، معلمان، پرستاران... بالاست، اما جنبش اعتصابی در بخش خصوصی محدود است. معذالک، دولت دست‌بردار نیست، نگران اشاعه جنبش نیرومند اعتصابی، تظاهرات و حمایت اکثریت مردم از آن، سعی می‌کند تا به یاری رفرمیست‌های آشکار و نهان اتحاد سندیکاها را درهم شکسته و جنبش را تجزیه نماید. ولی هنوز موفق نشده است. مهم اینکه ستاد سندیکائی شعار تداوم اعتصاب و بسیج و توافق جاری در سطح ملی و حرفه‌ای را حفظ و برای نهم ژانویه ۲۰۲۰ در دستور کار خود قرار داده است. پس باید به فکر روزهای دیگری باشیم، اقداماتی را در فاصله نوئل و سال نو، در شهرها و مناطق سازمان بدهیم. این راهکار حزب ما تا اطلاع ثانوی است.

ترجمه و تلخیص: نقل از La Forge، ارگان مرکزی حزب کمونیست کارگران فرانسه، نوامبر و دسامبر ۲۰۱۹

نیروهای سیاسی و افرادی که متن زیر را امضا کردند، با طرح بازنشستگی مکرون مخالف‌اند و از فراخوان سندیکائی برای بسیج، برگزاری تظاهرات در روز پنجم دسامبر و از اعتصاب ممتد تا شکست آن، پس گرفتن طرح مذکور، حمایت می‌کنند. با فراخوان سندیکاها، کارگران و کارمندان، از بخش خصوصی و عمومی، شرکت ملی راه آهن، مترو، اتوبوس‌رانی، آتش‌نشانی، معلمان، پرستاران، هنرمندان، نوازنده و خواننده و بالرین و غیره... شمار قابل توجهی از دانشجویان و دانش‌آموزان، در روز موعود، پنجم دسامبر (۲۰۱۹) دست از کار کشیدند، ۸۰۰ هزار تا ۱ میلیون نفر، در شهرهای بزرگ و کوچک، زن و مرد، جوان و سالمند، حتی جلیقه زردها، دون‌پایه‌ها، شاغل و بیکار و بازنشسته به خیابان آمدند، در تظاهرات سراسری شرکت کردند.

مکرون طالب یک «دولت مقتدر قرن بیست و یکمی است، رهائی‌بخش، جهانی حامی شهروندان، نه براساس موقعیت اجتماعی و کاری که می‌کنند، بلکه به گونه‌ای عادلانه‌تر!»؟ گو اینکه با «رفرماش»! بیش از یک میلیون نفر حقوق‌شان ضایع شده و مجبورند از جیب خود ۳۸ میلیارد برای دولت صرفه‌جویی نمایند. به زعم مکرون، موقعیت‌های اجتماعی از میان می‌روند؛ فرد می‌ماند در برابر سرنوشت خود.

فراخوان اعتصاب و تظاهرات برای ۱۷ دسامبر تداوم بسیج بر محور لزوم پس گرفتن طرح بازنشستگی «امتیازی» را تأیید







## در جبهه نبرد طبقاتی

اخبار و گزارشات کارگری آذر ماه ۱۳۹۸

۴ آذر

دیدار جمعی از معلمان و بازنشستگان با «روح‌الله مردانی» که به تازگی از بند رها شده است.

۱۲ آذر

«سپیده قلیان» که در جریان اعتراضات آبان ماه بازداشت شده بود، با قرار وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شد.

۴ آذر

«ندا ناجی» به ۵ سال و ۶ ماه زندان محکوم شد.

۱۷ آذر

«پروین محمدی» برای تحمل حکم یکسال حبس راهی زندان شد.

۱۹ آذر

طی روزهای گذشته ۱۶ تن از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد تلفنی به پلیس امنیت احضار شدند. در این راستا آقایان «سعیدی»، «طالب مقدم»، «رضوی»، «شهابی»، «فریدونی»، «اصلاقی»، «حیدری»، «پیرهادی»، «کمساری»، «تاخیری»، «قاسمی»، «نعمتی پور»، «توسلی»، «محرّم‌زاده»، «باباخانی» و «شکاری» تلفنی به پلیس امنیت احضار شده‌اند. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه فشار اخیر دستگاه قضایی و امنیتی را به اعضای خود برای انحلال سندیکا و متوقف کردن فعالیت‌های حق طلبانه محکوم ساخت.

۲۰ آذر

«اسماعیل بخشی»، «علی نجاتی»، «سپیده قلیان»، «محمد خنیفر»، «امیرحسین محمدی‌فرد»، «ساناز الهیاری»، «عسل محمدی»، «مرضیه امیری»، «عاطفه رنگریز» و «امیر امیرقلی» هر کدام به

۶۶ سال پیش به هنگامی که نماینده امپریالیسم کودتاگر آمریکا پا بر خاک پاک وطن ما گذاشت، دانشجویان انقلابی با برپایی تظاهراتی علیه امپریالیسم، استبداد و ارتجاع، نشان دادند که در کنار کارگران و زحمتکشان در حفظ منافع مام میهن، کوشا و حتی حاضر به جان فشانی‌اند. امسال باز هم همانند تمامی این سال‌ها نشان دادند که نه تنها هرگز قدمی به عقب برنخواهند داشت، بلکه کماکان در موضعی کاملاً صحیح در کنار کارگران و زحمتکشان و دیگر مردم انقلابی ایران برای به دست آوردن منافع طبقاتی و ملی در صحنه مبارزه، حضوری فعال دارند. آذر ماه، ماه آتشفشان مبارزه و اتحاد بوده است و هست. دانشجویان و استادان و فرهنگیان در اتحاد با کارگران و زحمتکشان علیه تمامی دشمنان ریز و درشت میهن و مردم ایران نمایی تاریخی را در صحنه مبارزه ایران عرضه کردند و داغی بر دل نئولیبرال‌های ایرانی و خارجی و وابستگان و جیره‌خواران چپ و راست آنان گذاشتند که توان زبان به لب گرفتن را از آنان گرفت و دست خود را برای مبارزان واقعی این مرز و بوم رو کردند. درود بی‌کران بر دانشجویان این فرزندان «آذر ماه جاودان شعله»!

مبارزه را پایان نیست و روزی خواهد رسید که طعم شیرین پیروزی را کارگران و زحمتکشان خواهند چشید. در ماه آذر نیز مبارزه کارگران و زحمتکشان و فرزندان دلیر آنان ادامه یافت که در ذیل به بخشی از آن نگاهی خواهیم انداخت.

\*\*\*

زندانیان جنبش کارگری



۵ سال حبس تعزیری محکوم شدند.

تا ستم وجود دارد، مبارزه نیز ادامه خواهد داشت و روزی خواهد رسید که جنبش کارگری تحت رهبری تشکلات مبارز و انقلابی خود علیه نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و امپریالیسم جهانی پیروزی را به دست خواهد آورد. جنبش کارگری در این مبارزه هر بار قوی‌تر از قبل، روند تحولات آتی را با قدرت اتحاد و همبستگی کارگران همراه با دیگر اقشار اجتماعی رقم خواهد زد.

#### ۲۴ آذر

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه احکام غیرانسانی و ضد مردمی علیه کارگران و حامیان آن‌ها را در بی‌دادگاه‌های قرون وسطایی محکوم ساخت و خواستار آزادی زندانیان جنبش کارگری گشت.

گروه اتحاد بازنشستگان صدور حکم زندان علیه کارگران و نیروهای ترقی‌خواه را محکوم ساخت و آزادی بی‌قید و شرط تمام فعالان در بند و زندانیان سیاسی و ابطال این احکام ناروا و ظالمانه را خواستار شد.

#### ۲۷ آذر

دور جدید محاکمه کارگران هفت تپه کلید خورد. جلسه رسیدگی به پرونده کارگران هفت تپه، با حضور وکیل کارگران، خانم «فرزانه زیلابی» در شعبه یکصد و دو کیفری ۲ شهرستان شوش به ریاست «قاضی سراج» برگزار شد. اتهام وارد شده به کارگران، اخلال در نظم عمومی بود. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ضمن حمایت از مطالبات به حق کارگران هرگونه اتهام و پرونده‌سازی برای کارگران را محکوم کرد و خواهان پایان دادن به پرونده‌سازی، احضار و تهدید کارگران شد.

سندیکای کارگران شرکت واحد و سندیکای نیشکر هفت تپه بارها در اطلاعیه‌های جداگانه احکام صادره علیه کارگران معترض و پیشرو را محکوم کرده است و خواستار منع تعقیب برای تمامی فعالین کارگری و آزادی بدون قید و شرط کارگران و فعالین صنفی دربند شده است.

### دانشجویان

#### ۱ آذر

در آبان ماه ۹۵ دانشجو در سراسر کشور بازداشت شدند که ۳۰ نفر از آنان تا این تاریخ کماکان در بازداشت به سر می‌برند. ولی با وجود دستگیری‌ها و سرکوب شدید، مبارزه و عزم دانشجویان برای برگزاری مراسم ۱۶ آذر همچنان وجود دارد.

#### ۳ آذر

دانشجویان دانشگاه علم و صنعت در اعتراض به وضعیت معیشتی و قطعی اینترنت و جو خفقانی که در جامعه بوجود

آمده دست به اعتراض زدند.

#### ۴ آذر

جمعی از دانشجویان دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین علیه کالایی‌سازی و خصوصی‌سازی آموزش و بازداشت و سرکوب دانشجویان دست به تجمع اعتراضی زدند. دانشجویان این دانشگاه در حالی که مشغول سر دادن شعارهایی نظیر «دانشگاه پول گردان/ تضعیف زحمت کشان»، «دانشگاه پولی شد/ دانشجو زندانی شد» بودند، نیروهای بسیج دانشجویی با یورش به تجمع کنندگان به درگیری فیزیکی با تجمع کنندگان پرداختند.

#### ۹ آذر

تحصن دانشجویان علوم پزشکی بوشهر در صحن وزارت بهداشت.

#### ۱۱ آذر

دانشجویان علوم پزشکی تبریز در اعتراض به وضعیت کنونی دانشجویان در دفتر معاونت دانشجویی و فرهنگی این دانشگاه تحصن کردند که تا روز دوشنبه ۱۱ آذر ادامه داشته است.

#### ۱۲ آذر

تجمع و تحصن دانشجویان علوم پزشکی تبریز.

#### ۱۳ آذر

جمعی از دانشجویان دانشگاه بهشتی روز چهارشنبه در اعتراض به وضعیت اسفبار غذای سلف این دانشگاه دست به تجمع اعتراضی زدند.

#### ۱۴ آذر

چهارمین روز تحصن دانشجویان دانشگاه تبریز.

#### ۱۶ آذر

### مجاهد و پهلوی دو دشمن آزادی

تجمعات اعتراضی دانشجویان دانشگاه‌های تهران، پلی تکنیک و امیرکبیر و دیگر دانشگاه‌های کشور در اعتراض به فقر، گرانی، فساد و جان‌باختگان و بازداشتی‌های اعتراضات آبانماه و دانشجویان در بند برگزار شد. در بیانیه دانشجویان دانشگاه تهران به مناسبت روز دانشجو آمده است «اینجا و اکنون، در آستانه‌ی یکی از مهمترین بزنگاه‌های تاریخی که در آن نفس می‌کشیم، توده‌های نقاط مختلف جهان، علیه ستم‌های منتج از نظام سرمایه‌داری به‌پاخاسته‌اند. خیرش توده‌ای ایران نیز در حد فاصل کمتر از دو سال، بار دیگر به خروش آمد. انباشت تضادها و ناتوانی حکومت سرمایه‌داری-دین‌مدار موجود، منجر به خیزش‌های متعددی از جمله خیزش دیماه ۹۶ شد. سرکوب‌های خونین پیشین، نه تنها آتش خشم فرودستان را خاموش نکرد، بلکه شره‌های باقی‌مانده از شعله‌های ۹۶، با بنزین ۳۰۰۰ تومانی دوباره زبانه کشید. اینبار در آبان ۹۸، وسعت و شدت اعتراضات

گسترده‌تر شد و به همان میزان وسعت و شدت سرکوب نیز. سرکوب به صورت سُرَب‌هایی درآمد که نیزارهای ماهشهر تا برزن‌های کردستان، شهرک‌های شیراز، بیابان‌های سیستان تا خیابان‌های تهران را، در سکوت کامل خبری و قطع سراسری اینترنت، به خون آغشت. اما ما دانشجویان، در این بزنگاه و در حین فرود آمدن سهمگین‌ترین شلاق‌های ستم و استعمار بر گرده‌ی فرودستان، که خود زخم‌خورده همین شلاق‌هائیم، نظاره‌گری منفعل نیستیم و نخواهیم بود.

طنین این شلاق‌ها را سال‌هاست که می‌شنویم. همچنان که صدای فریاد توده را. اما تکرار این اصوات، با طول امواج مختلف آن در تاریخ، موجب خوگرفتن ما بدان نشده است. صدای سرکوب و خروش فرودستان را همه شنیده‌اند؛ حتی آنهایی که منافع‌شان در نشیندن بود. تقلاهای مذبحخانه‌ی جریان‌های اصلاح‌طلب، عدالت‌خواه، سلطنت‌طلب و ... در مصادره، تحریف و انکار این صداها گواه این ادعاست.

شعارها و بیانیه‌های دانشجویان در آذر امسال نشان از هوشیاری و آگاهی طبقاتی آنان و همچنین نشان از اتحاد آنان با طبقه کارگر علیه امپریالیسم، استبداد و ارتجاع داشت. درود بی‌کران بر این فرزندان راستین طبقه کارگر! که در پاسخ به فریب‌خوردگان و مزدوران، که سیاست و شعارهای دانشجویان را به جانبداری از رژیم اسلامی و یا منحرف‌کننده از مبارزه ضد رژیم معرفی کردند، در پاسخی دندان‌شکن آوردند که «بخش مهمی از مبارزه در ایران، مبارزه با رویکرد نئولیبرالیستی است که دانشجویان بخوبی آنرا بازنمایی کرده‌اند. برای برخی گویا شوکه کننده بوده است. این پلاکارد اما باید گفت در ایران تنها با وجود یک دیکتاتور خونریز می‌توان رویکرد نئولیبرالی را پیش به برد حال چه این دیکتاتور عمامه داشته باشد چه تاج. بنا بر این مبارزه با رویکرد نئولیبرالی اساساً مبارزه با سیاست دیکتاتوری مثلاً در ایران و سیاست اقتدارگرایانه مثلاً در فرانسه مکرون است. گرچه نئولیبرالیسم بسیار پیچیده‌تر از خصوصی‌سازی است و گسترش منطق بازار به تمامی زوایای زندگی فردی، سیاسی و اقتصادی است».

تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه نوشیروانی بابل به مناسبت ۱۶ آذر و در اعتراض به تبعیض، سرکوب و گرانی تحت محاصره نیروهای امنیتی و خودروهای پلیس بود با حضور فراوان لباس شخصی‌ها برگزار شد.

جمعی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس به مناسبت ۱۶ آذر و اعتراض به سرکوب و تبعیض و گرانی تجمع کردند.

تجمع اعتراضی جمعی از فعالین صنفی دانشجویی دانشگاه مازندران به مناسبت ۱۶ آذر و قرائت بیانیه‌ای که در آن آمده است «... امروز، رو به تاریخ کرده و نام رفیقانمان، قندچی، شریعت رضوی و بزرگ‌نیا را فریاد می‌زنیم که خون‌تان هدر نخواهد شد و راه‌تان در این مهمه‌ی بی‌هویتی، راهنمای ماست. ما نیز به همانی معتزیم که شما بودید. ظلم طبقاتی همچنان پا بر جاست، عریان‌تر، بی‌شرمانه‌تر ... ۶۶ سال پیش در

برابر منطق سرمایه‌داری جهانی، که ما را به بردگی می‌خواست، ایستادگی کردید، امروز نیز نسخه‌ی بومی آن گریبان‌گیر ماست. ... ما برای جامعه‌مان، آینده‌مان ریاضت اقتصادی نمی‌خواهیم. کارگران را قراردادی، بیمارستان را بنگاه و معادن را خصوصی نمی‌خواهیم و برای آنچه می‌خواهیم مبارزه خواهیم کرد. آزادی خواهی و برابری طلبی هویت دانشجویان است. ما پای هویت مان ایستاده‌ایم».

«ایران، فرانسه، عراق، لبنان، شیلی مبارزه یکی است، سرنگونی نئولیبرالیسم!»

زنده باد ۱۶ آذر روز همبستگی سراسری دانشجویان علیه ارتجاع و امپریالیسم!

بیانیه شوراهای صنفی و فعالین دانشگاه‌های سراسر کشور به مناسبت ۱۶ آذرماه روز دانشجو:

«بار دیگر شانزدهم آذر در نشیب سالی مالا مال از خون و عصیان فرا رسیده است. این گرمی روز برای ما؛ چونان آینه‌ی مبارزات ضد استبدادی دانشجویان پیشرو در عصر دیکتاتوری سیاه پهلوی که به بهای خون سرخ سه فرزند جان‌فدای این سرزمین به یادگار مانده است، ما را بر آن می‌دارد تا دیگر باره در کشاکش آلام جامعه خود، تصویر ایستادگی خود را در برابر دیدگان آگاه مردمان روشن سازیم.

ما فعالان صنفی دانشجویان، که قریب به یک دهه از تاریخ جنبش دانشجویی را به کوشش در راه برابری و آزادی بدل ساخته‌ایم، ما که رهایی دانشگاه را جز با گشوده شدن دروازه‌های فولادین آن به روی تمامی زحمتکشان و فرودستان ناممکن می‌دانیم و این رهایی را جز در پیوند آن با مبارزات مادران و پدران کارگر، معلم، کشاورز و بیکارمان در تحقق رفاه و آسودگی‌شان ناچیز و ناشدنی می‌شماریم، نیک می‌دانیم جهان‌ورای حصار دانشگاه از تعارض منافع صاحبان قدرت و زحمت‌کشان، درگیر نزاعی سخت و حقیقی است ...».

تجمع دانشجویان دانشگاه هنر به مناسبت روز دانشجو. دانشجویان پس از برگزاری مراسم و خواندن سرود دست جمعی؛ در اعلام حمایت و خون‌خواهی خود از کشتگان بی‌کفن آبان، قبری نمادین در وسط آسفالت دانشگاه برای آن‌ها درست کردند.

تجمع روز ۱۶ آذر دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی تهران به مناسبت روز دانشجو

دانشگاه سوره نیز مانند بسیاری از دانشگاه‌های کشور عرصه اعتراض بود که به درگیری شدید بین بسیجی‌ها و نیروهای حراست و دانشجویان معترض انجامید.

#### ۱۷ آذر

تجمع دانشجویان دانشگاه انوشیروانی بابل، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه پلی تکنیک و دانشگاه علم و صنعت برای دومین روز متوالی ادامه داشت.

#### ۱۸ آذر

اعتراضات دانشجویی برای سومین روز متوالی ادامه یافت.

### ۱۹ آذر

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ضمن حمایت از خواست و مطالبات دانشجویان، خواستار آزادی کلیه بازداشت‌شدگان دانشجویان شد.

دانشجویان دانشگاه تهران دست به تجمع زدند و از حقوق کارگران و تشکیل سندیکا دفاع کردند.

تجمع دانشجویان دانشگاه سراسری اورمیه در اعتراض به بیکاری، فقر و گرانی.

### فرهنگیان

### ۱۶ آذر

جمعی از معلمان عدالت‌خواه به مناسبت شانزده آذر روز دانشجویی‌های دادند که در آن می‌خوانیم «روز دانشجویان را صمیمانه به شما تبریک می‌گوییم به خصوص درود می‌فرستیم به فعالان راستین، مبارز و مقاوم جنبش دانشجویی که اینک پشت میله‌های زندان هستند درود بر شما که از ۱۶ آذر ۱۳۳۲ تا به امروز در مقابل ارتجاع، استبداد و استعمار ایستاده‌اید و به تسلیم و سازش نه گفته‌اید.

امسال در حالی به استقبال این روز خجسته می‌رویم که بخاطر اعتراض مسالمت‌آمیز به گرانی بنزین، بیش از ده هزار نفر از مردم معترض بازداشت شده و بیش از سه هزار نفر در خیابان‌ها تیر خورده و زخمی شده‌اند و در یک کشتار وحشیانه چند صد نفر جان باخته‌اند که در این میان تعداد دانش‌آموزان و کودکان، دانشجویان و جوانان چشمگیر است. ما به عنوان جمعی از معلمان ایران به شما و تمام خانواده‌های داغدار تسلیت می‌گوییم... ما جنبش دانشجویی را متحد استراتژیک جنبش معلمان ایران می‌دانیم و باور داریم در سایه اتحاد با دانشجویان، زنان، کارگران است که می‌توان طرح نو در انداخت...»

### ۲۳ آذر

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران پیرامون لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ اطلاعیه‌ای صادر کرد که در آن آمده است «براساس این بودجه حقوق فرهنگیان حداکثر پانزده درصد افزایش خواهد یافت که با توجه به میانگین تورم بالای ۴۲ درصد و به خصوص پس از گرانی بنزین به هیچوجه با شرایط اقتصادی و قوانین مصوب، همخوانی ندارد و پیش‌بینی می‌شود در سال آینده معلمان مانند اکثریت زحمتکشان جامعه، فقیرتر گردند.

از نظر شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، این بودجه ناعادلانه است و متناسب با نیازهای واقعی جامعه به خصوص در حوزه آموزش عمومی نیست؛ پس طبیعی است که به آن اعتراض کنیم و برای تغییر آن تلاش نماییم. لذا شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در گام اول، از

تمام اصحاب قلم، معلمان نویسنده و نقاد، روزنامه‌نگاران و اقتصاددانان مستقل درخواست می‌کند تا با نقد لایحه بودجه، از طریق نوشتن یادداشت، تهیه گزارش و مصاحبه، سویه‌های مخاطره‌آمیز آن را برای همگان روشن نمایند.»

### ۲۶ آذر

تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران طی فراخوانی از فرهنگیان بازنشسته و شاغل خواست تا در روز دوم دیماه ۹۸ در اعتراض نسبت به تبعیض‌ها و وضعیت معیشتی خود، مقابل مجلس تجمع کنند. در این اطلاعیه آمده است: «وضعیت امروز بازنشستگان، آینه پیش روی فرهنگیان شاغل است؛ پس ضروری است که به یاری این عزیزان و آینده‌ی تمام‌نمای خود بشتابیم. در همین راستا، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران بنا بر وظیفه ذاتی تشکلهای عضو شورا، ضمن حمایت از فراخوان تجمع بازنشستگان و دعوت از تمام فرهنگیان بازنشسته برای شرکت در تجمع مقابل مجلس، هم‌زمان در مدارس اعلام تحصن می‌نماید... اگرچه به خاطر سرکوب وضعیت معیشتی اکثریت جامعه و جان‌باختن دانش‌آموزان و جوانانمان داغداریم، اما از این زخم‌ها، آزادی جوانه خواهد زد و صدای دادخواهی و عدالت‌خواهی ما تکثیر خواهد شد.»

### هفت تپه

### ۳ آذر

کارگران نیشکر هفت تپه امروز در مقابل فرمانداری شوش تجمع اعتراضی برگزار کردند. این کارگران به عدم رسیدگی به مطالبات خود دست به تجمع زدند که مهم‌ترین مطالبات خود را پرداخت حقوق و مزایای معوقه، بازگشت به کار تمامی همکاران اخراجی، لغو خصوصی‌سازی و واگذاری شرکت به دولت با نظارت نمایندگان مستقل کارگران هفت تپه، توقف فوری تجزیه املاک شرکت و توقف واگذاری هرگونه اموال و املاک به دیگران و لغو احکام صادره و تعقیب قضایی علیه همکاران و حامیان کارگران اعلام کرده‌اند.

### ۱۰ آذر

شماری از کارگران هفت تپه دست از کار کشیدند و اعتصاب کردند. نماینده کارگران در جمع کارگران اعتصاب کننده از کارگران خواست که در برابر اقدامات تفرقه‌افکنانه کارفرمای شرکت نیشکر هفت تپه بایستند. وی کارفرما را به دادن آمارهای نابجا، که باعث فلاکت خانواده ۴۰۰۰ تن از کارگران شاغل در این شرکت شده، متهم کرد.

### ۱۲ آذر

بیست و نهمین روز از دور دوم اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه و هفتاد و یکمین روز از اعتصابات دو ماه اخیر با اتحاد هرچه تمام‌تر و حضور حداکثری کارگران هفت تپه برگزار



شد.

## ۱۵ آذر

«اسماعیل بخشی»، نماینده کارگران هفت تپه به محل کار خود بازگشت.

## آذر آب

## ۱۰ آذر

کارگران کارخانه آذر آب اراک، در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و نامشخص بودن وضعیت کارخانه در خیابان‌های اراک دست به راهپیمایی اعتراضی زدند.

## ۲۳ آذر

کارگران آذر آب چهار تن از مدیران خیانتکار شرکت را که طی این مدت بر ضد کارگران عمل کرده بودند، با تجمع مقابل دفتر مدیریت، از کارخانه بیرون کردند. لازم به ذکر است که در تاریخ ۸ آبان ۹۸ پس از کش و قوس‌های فراوان، شورای تأمین استان جهت رفع مشکلات شرکت آذر آب تشکیل جلسه داد و با پافشاری کارگران این کارخانه، حکم برکناری هیئت مدیره فعلی شرکت آذر آب را صادر کرد.

## بازنشستگان

## ۲۶ آذر

فراخوان برای تجمع متحدانه بازنشستگان و شاغلان برای احقاق حقوق پامال شده‌شان، در دوم دیماه در مقابل مجلس در تهران و همچنین در سراسر ایران. در این فراخوان که به امضاء تشکلات مختلفی از کارگران و معلمان و بازنشستگان رسیده است و یا از آن حمایت شده است، آمده است «ادامه فشارهای اقتصادی حکومت علیه مردم، شرایط را غیرقابل تحمل کرده است. صعود بی‌وقفه تمامی اقلام مربوط به سبد معیشتی خانوارها، زندگی میلیون‌ها شاغل، بازنشسته و بیکاران را از آنچه هست، وخیم‌تر ساخته که خیزش آب‌انما و کشته‌شدن صدها نفر جوان بی‌دفاع و هزاران نفر بازداشتی گواه بر یک صف‌بندی آشکار از اقلیتی صاحب ثروت و قدرت در مقابل میلیون‌ها مردم تحت فشار و محروم است. ... با اتحاد و همبستگی تمامی شاغلان و بازنشستگان حول مطالبات مشترک و ایستادگی در برابر تحمیل شرایط مرگ تدریجی، با برگزاری تجمع و سایر شیوه‌های اعتراضی تا تحقق مطالبات قانونی و مسلم خود پیگیر خواهیم ماند».

## کارگران دیگر

## ۲ آذر

شماری از کارگران کمباین سازی اراک، در محوطه این کارخانه اقدام به برپایی تجمع اعتراضی کردند. این کارگران خواستار عقد قرارداد مستقیم با کارفرما و همچنین پرداخت دستمزدهای عقب‌افتاده خود شدند.

کارگران شرکت فولاد آلیاژی ایران در اعتراض به طولانی شدن روند اداری بازنشستگی خود مقابل اداره کار اقدام به برپایی یک تجمع اعتراضی کردند.

## ۵ آذر

شماری از کارگران ارگ قدیم بم اقدام به برپایی تجمع اعتراضی کردند. تجمع کارگران ارگ قدیم بم مقابل پایگاه میراث ارگ قدیم صورت گرفت. کارگران در تجمع خود خواستار پرداخت دستمزدهای عقب‌افتاده خود شدند.

شماری از کارگران پیمانکاری معدن چادرملو یزد در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل در معدن چادرملو به برپایی یک تجمع اعتراضی روی آوردند.

## ۸ آذر

کارگران خطوط ابنیه فنی راه‌آهن جنوب شرق در اعتراض به سطح پایین دستمزد و عدم پرداخت به موقع آن، اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند.

شماری از کارگران اخراجی شرکت حمل و نقل خلیج فارس در اعتراض به اخراج خود از کار، مقابل این شرکت تجمع اعتراضی برپا کردند.

شماری از کارگران پیمانکاری شهرداری کرج در اعتراض به اخراج از کار و بیکار شدن خود مقابل ساختمان شورای شهر کرج اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند. اعتصاب کارگران پروژه بزرگراه سقر بوکان در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی‌شان.

شماری از کارگران واگن‌پارس در اعتراض به لاینحل ماندن مسائل مربوط به سهام‌داری و سطح پایین دستمزدها، اعتصاب کردند. در جریان اعتصاب کارگران کارخانه واگن‌پارس که یک تولیدکننده واگن‌های قطار است، دست کم دو تن از اعتصاب‌گران احضار شده‌اند.

## ۱۱ آذر

شماری از کارگران اخراجی کارخانه فولادین ذوب آمل در اعتراض به بیکاری خود، در محوطه این کارخانه دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارگران که خواستار بازگشت به کار بودند به همراه خانواده‌های خود در این تجمع اعتراضی شرکت کرده بودند.

شماری از کارگران پیمانکاری فازهای ۲۰ و ۲۱ عسلویه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای عقب‌افتاده خود اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند.

## ۱۳ آذر

کارگران سد شورریجه سرخس در اعتراض به عدم پرداخت

چندین ماه دستمزد عقب‌افتاده خود دست از کار کشیدند و اعتصاب کردند.

شماره ۱ از کشاورزان خوزستان در اعتراض به عدم پرداخت غرامت ناشی از سیلاب، مقابل ساختمان سازمان جهاد کشاورزی اقدام به برپایی تجمع اعتراضی کردند. جمعی از تاکسی‌داران میناب در اعتراض به سهمیه کم سوخت و نبود جایگاه سوخت تجمع کردند.

#### ۱۴ آذر

کارگران شرکت پتروشیمی مارون که در ششمین روز از اعتراض خود به‌سر می‌برند، عدم توزیع برابر خدمات عمومی و اجتماعی به کارکنان پیمانکاری را علت اعتصاب خود اعلام کرده‌اند.

#### ۱۷ آذر

کارگران پروژه ساخت قطار شهری اهواز که با مسئولیت شرکت کیسون (از پیمانکاران مجری ساخت قطار شهری اهواز) مشغول کارند، در جنب ساختمان سازمان قطار شهری در بلوار بهبهانی، تجمع اعتراضی برپا کردند.

تعدادی از کارکنان بیمارستان الزهرا اصفهان در اعتراض به عدم پرداخت کارانه عقب‌مانده خود، در محوطه این بیمارستان دست به تجمع اعتراضی زده و خواستار استعفای عرفانی مدیر بیمارستان شدند.

صدها راننده ون در همدان در اعتراض به کم بودن سهمیه بنزین اعتصاب کرده و از سرویس‌دهی خودداری کردند. تعداد رانندگان شرکت کننده در این اعتصاب ۲۷۰ راننده برآورد شده است.

کارگران مجتمع معادن مس تکنار بردسکن در استان خراسان رضوی در اعتراض به پرداخت نشدن ۴ ماه از حقوق‌شان دست از کار کشیدند.

#### ۱۹ آذر

شماره ۱ از پرستاران دانشگاه علوم پزشکی اصفهان مقابل استانداری این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. این دسته از پرستاران بیمارستان‌های دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در اعتراض به عدم پرداخت کارانه و اضافه‌کاری آنها طی ۹ ماه گذشته در سیستم فاصدک تجمع کردند.

کارگران پروژه بزرگراه سقر - بوکان در اعتراض به عدم دریافت ۸ ماه حقوق، دو هفته است که دست از کار کشیده‌اند. کارکنان خدمات شهری شهرستان نقده به دلیل پرداخت‌نشدن چند ماهه حقوق‌شان همگی باهم از روز هجدهم به سر کار نرفته‌اند و برای همین کیسه‌های زباله مردم از دیروز جلوی در خانه‌ها مانده.

کارگران شرکت پیمانکاری تعمیرات تجهیزات و ماشین‌آلات پتروشیمی مارون، واقع در استان خوزستان از عدم پرداخت معوقات مزدی خود خبر دادند. این کارگران هنوز دستمزد

آبان ماه را نگرفته‌اند و پرداخت دستمزدهایشان نیز غالباً با تأخیر انجام می‌شود.

رانندگان تاکسی اسنپ در مشهد در پی فراخوان قبلی در اعتراض به ۳ برابر شدن قیمت بنزین دست به اعتصاب زدند.

تجمع کارمندان دانشگاه آزاد بندر ماهشهر در مقابل ساختمان ریاست مرکزی این دانشگاه در اعتراض به مصوبه‌ای که منجر به کاهش حقوق‌شان می‌شود.

#### ۲۰ آذر

تعدادی از کارگران متروی شهر اهواز در اعتراض به پرداخت نشدن ۲۰ ماه حقوق‌های عقب‌افتاده خود، دست به راهپیمایی از چهارراه نادری به سمت خانه امام جمعه اهواز زدند.

#### ۲۳ آذر

رانندگان تاکسی ون که در خط تاکسی‌رانی میدان شهران، ولی‌عصر تهران کار می‌کردند دست از کار کشیدند و در ساعات پایان کار اداری هیچ ونی در این خطوط کار نمی‌کرد. پرسنل دانشگاه آزاد تهران و دانشگاه علمی کاربردی تهران در دو تجمع اعتراضی جداگانه نسبت به کاهش حقوق و پرداخت‌نشدن حقوق‌های عقب‌افتاده خود در مقابل دانشگاه‌های مربوطه، تجمع کردند.

#### ۲۵ آذر

شماره ۱ از کارگران شهرداری کوت عبدالله در اعتراض به بلا تکلیفی در وضعیت پرداخت مطالبات‌شان در مقابل استاندار خوزستان اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند. این کارگران در طی سال ۹۸ برای چندمین بار است که دست به تجمع زده‌اند؛ ولی تاکنون به اصلی‌ترین درخواست آنها که پرداخت حقوق عقب‌افتاده‌شان است، پاسخ نداده‌اند.

#### ۲۶ آذر

کارگران شرکت حاتمی در معدن چادرملو در یک نشست اعتراضی نسبت به عملکرد اداره کار، به ویژه اداره کل استان و تأخیر بیش از حد در اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و عدم پاسخ‌گویی مناسب اعتراض کردند. آنها همچنین در ارتباط با برقرار نشدن سرویس ایاب و ذهاب کارگران این شرکت که طبق ماده ۱۵۲ قانون کار باید اجرا می‌شد، اعتراض کردند.

#### ۲۷ آذر

شماره ۱ از کارگران کارخانه صنعتی دوده فام دزفول در یک تجمع اعتراضی در مقابل این کارخانه، خواستار رسیدگی به خواسته‌های خود شدند. این کارگران که تعداد آنها حدود ۷۰ نفر بود، خواستار اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و همچنین بازگشت به کار نماینده کارگری این کارخانه شدند.

#### ۳۰ آذر

کشاورزان چغندر کار سولدوز نقده در اعتراض به عدم پایبندی

جمعی از زندانیان زندان اوین در حمایت از اعتراضات مردمی پیامی در محکومیت سرکوب اعتراضات و همدردی با خانواده‌های جانباختگان صادر کردند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران با انتشار بیانیه‌ای سرکوب اعتراضات مردم را محکوم ساخت. گروه اتحاد بازنشستگان سرکوب و حشیانه اعتراضات سراسری مردم را محکوم ساخت و آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی بازداشت‌شدگان را خواستار شد.

#### ۱۰ آذر

گروهی از هنرمندان ایرانی با نوشتن بیانیه‌ای با عنوان «صدای آبان ۹۸» نسبت به سرکوب اعتراضات مردمی اعتراض کردند. «رخشان بنی‌اعتماد»، «اصغر فرهادی»، «فرهاد توحیدی»، «مجتبا میرتهماسب»، «حسین علیزاده»، «کیهان کلهر»، «لی لی گلستان»، «بهمن فرمان‌آرا»، «داریوش مهرجویی»، «رضا درمیشیان»، «جعفر پناهی»، «مصطفی آل‌احمد»، «محمد رسول‌اف»، «حسین سنابور»، «ارشد طهماسبی»، «امیر اثباتی»، «فاطمه معتمدآریا»، «نغمه ثمنی»، «محسن امیریوسفی»، «مجید برزگر»، «متیژه حکمت»، «نگار اسکندرفر»، «امیرشهاب رضویان»، «جابر قاسمعلی»، «کتایون شهبانی»، «تهمینه میلانی»، «محمد رضایی‌راد»، «باران کوثری»، «پگاه آهنگرانی»، «مصطفی خرقه‌پوش»، «مهتاب نصیرپور»، «محمد رحمانیان»، «فیروزه صابر»، «حبیب رضایی»، «محمد رضا موئینی»، «میشم موئینی» و «جمال رحمتی» از امضاء کنندگان این بیانیه هستند.

#### ۱۴ آذر

جمعی از زندانیان سیاسی گوهردشت کرج در حمایت از اعتراضات مردمی بیانیه‌ای در محکومیت سرکوب اعتراضات مردمی صادر کردند.

\*\*\*

کارگران و زحمتکشان، دانشجویان و فرهنگیان، روشنفکران و ادیبان و هنرمندان، جوانان و پیران، زنان و مردان، همگی و همگی در ماه آذر نشان دادند که تنها دغدغه‌شان منافع ایران و خلق ایران است و بس و غیر از رسیدن به سربلندی و زندگی انسانی برای ایران و ایرانی به چیز دیگری فکر نمی‌کنند و چیز دیگری نمی‌خواهند و نتولیرال‌های ایرانی و خارجی نیز نشان دادند که برای کارگران و زحمتکشان و حمایت‌کنندگان‌شان نیز راهی غیر از اتحاد، تشکل و مبارزه، راه دیگری وجود ندارد.

## چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

سهام‌دار کارخانه به توافق مابین کارخانه و کشاورزان در مقابل ورودی کارخانه آذرقند اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند.

کارگران سیمان شهرکرد که سهامدار عمده‌اش بنیاد مسکن می‌باشد، در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات و همچنین شرایط نامناسب کاری خود دست از کار کشیدند و با اعتصاب در مقابل این کارخانه تجمع کردند. دلیل دیگر اعتصاب کارگران کارخانه سیمان شهرکرد در اعتراض به کاهش حق و حقوق‌شان هم می‌باشد.

کارگران کارخانه قند فسا در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی بار دیگر مقابل فرمانداری ویژه شهرستان فسا تجمع کردند.

#### تظاهرات مردمی

محکومیت سرکوب اعتراضات مردمی ایران از سوی پلاتفرم سندیکا‌های کارگری سوئد.

#### ۱ آذر

کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری «سرکوب خشن» تظاهرات سراسری در ایران را محکوم کرد.

محکومیت سرکوب اعتراضات مردمی ایران از سوی پلاتفرم سندیکا‌های کارگری سوئد.

#### ۴ آذر

همبستگی با اعتراضات سراسری مردم ایران از سوی سندیکا‌های کارگری فرانسه. کلکتیو سندیکا‌های فرانسه با انتشار بیانیه‌ای، کشتار و سرکوب معترضان در ایران را محکوم کردند.

#### ۵ آذر

انجمن جهانی قلم (پن) با انتشار بیانیه‌ای به سرکوب معترضان و اعمال سانسور گسترده در ایران اعتراض و از سکوت رسانه‌های استراليا و جهان ابراز نگرانی کرد.

#### ۸ آذر

کانون مدافعان حقوق کارگر خشونت سازمان یافته حکومت علیه مردم بی‌دفاع ایران را محکوم و خواستار آزادی کلیه دستگیرشدگان شد.

#### ۹ آذر

سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه سرکوب کارگران و زحمتکشان و مردم ستم‌دیده را شدیداً محکوم کرد و خواستار آزادی تمامی بازداشت‌شدگان شد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه کشتار و سرکوب خونین مردم را که عمده‌ی آنان از فرودستان و خانواده‌های کارگری هستند، به شدت و قاطعانه محکوم ساخت.





## گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به چند پرسش

پرسش: چرا با شعار «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» مخالفید؟ این شعار اعتراضی علیه رژیم اسلامی است که جان ملت را به لب رسانده است. تازه مگر سازمان حماس دارای ایدئولوژی انقلابی است که از آن حمایت می‌کنید. این سازمان از رژیم ایران کمک مالی می‌گیرد. من ضد فلسطین نیستم، ولی این شعار را فقط یک اعتراض می‌بینم. فکر نمی‌کنم هیچ سازمان چپ فلسطینی با حماس، که یک سازمان مذهبی است، همکاری کند. با تشکر.

**پاسخ:** دوست عزیز، سرزمین فلسطین و مبارزه ملت فلسطین و همبستگی با این ملت دربند و دلاور قبل از تولد نامیون جمهوری اسلامی وجود داشته است و ربطی به نظام اسلامی ندارد. مردم فلسطین حق دارند با هر وسیله‌ای از سرزمینشان دفاع کنند و از هر کشوری با حفظ استقلال خود برای دفع تجاوز و بیرون‌راندن صهیونیست‌ها کمک گیرند.

همبستگی نیروهای انقلابی ایران با مبارزات مردم فلسطین سابقه طولانی دارد و این از سرشت انسان‌دوستانه نیروهای انقلابی، بویژه چپ و کمونیست ایران برمی‌خیزد که همواره نسبت به مبارزات ملل تحت ستم ابراز همبستگی کرده و این امر از افتخارات آنها بوده است.

این شعار «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» یک شعار کاملاً گزینشی، سیاسی، ناسیونال‌شونیستی و نژادپرستانه برخلاف ظاهر فریبنده‌اش، یک شعار سراپا ارتجاعی است. این شعار از نظر تئوریک نادرست و از نظر عملی در خدمت جنایات و مصالح صهیونیسم و امپریالیسم در منطقه است. نه صهیونیست‌ها

و نه امپریالیست‌ها دل‌شان برای کشور ایران و نوار غزه و مردم لبنان، سوریه، یمن و ... نسوخته است، ولی دل‌شان از این می‌سوزد، که ملت فلسطین از حمایت مردم ایران و حتی دولت ایران با هر انگیزه‌ای، برخوردار است. امپریالیست‌ها با همبستگی ملی و قدرت ملت‌ها، که می‌توانند در مقابل آنها قد علم کنند، بیمناک‌اند و ترجیح می‌دهند به تجزیه کشورها پردازند، تا بتوانند با تسلط بر هر یک از این ممالک جداگانه و مالا ضعیف، شیره جان مردم و منابع اولیه این ممالک را به‌مکند و غارت کنند.

آیا حقیقتاً شرم‌آور نیست که مشتی اقلیت ناچیز و یا توده فریب‌خورده سرکوب و نابودی سایر ملت‌ها را، وثیقه آزادی ملت خودشان قرار دهند؟ طبیعی است که در اینجا، حتی برخلاف ظاهر این شعار، دفاع از ملت خود، یعنی ملت ایران نیز مطرح نیست، زیرا آزادی مردم ایران با آزادی مردم منطقه همسرنوشتی دارد. آزادی ملت ایران در گرو مبارزه ملت ایران برای سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و قطع دست‌های امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها از منطقه است و نه تنها از لبنان و فلسطین. امپریالیست‌ها برای سرکوب و غارت ایران، تمام منطقه خلیج فارس را به پایگاه‌های نظامی خویش بدل کرده‌اند، جمهوری آذربایجان، گرجستان، ترکیه، کردستان عراق، افغانستان و بسیاری ممالک آسیای میانه مقر پایگاه‌های آنها علیه ایران است و نه تنها ایران آخوندی، بلکه ایران آزاد و دموکراتیک و انقلابی فردا نیز از این پایگاه‌ها مورد تهدید و خطر قرار خواهد گرفت. این واقعیت‌ها ربطی به غزه و لبنان ندارد. این عوام‌فریبی و خاک‌پاشیدن به چشم مردم ایران است، اگر مدعی شویم مشکلاتی که امپریالیست‌ها در منطقه ایجاد کرده‌اند، ناشی از حمایت مصلحتی رژیم جمهوری اسلامی از مبارزه مردم فلسطین و لبنان است، آیا اگر رژیم جمهوری اسلامی از این سیاست خویش دست بردارد، بحران منطقه خاتمه می‌یابد و امپریالیست‌ها به خانه‌های خویش برمی‌گردند؟ خیر،

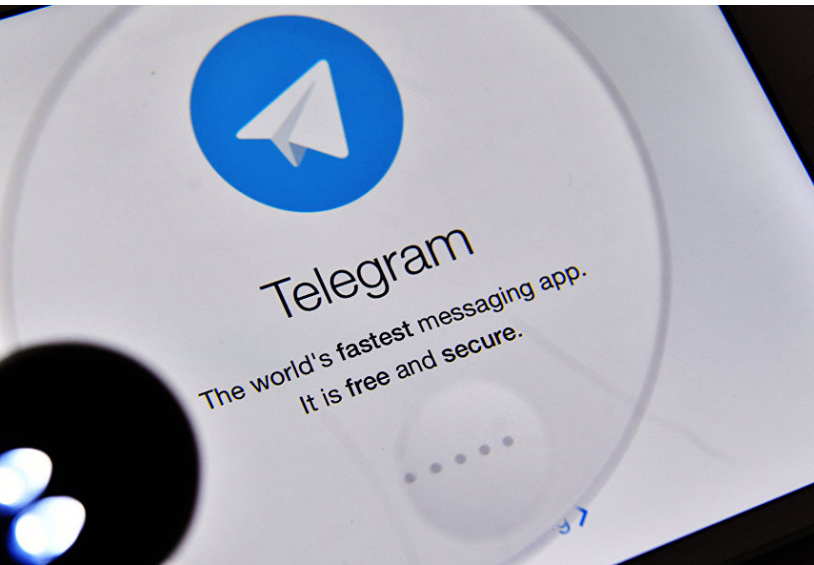
چنین پندارهای پوچی را نمی‌توان پذیرفت و به آن دامن زد.

در برخورد با سازمان حماس این درست است که ایدئولوژی این سازمان یک ایدئولوژی ارتجاعی است و نیروهای انقلابی باید به مبارزه با این ایدئولوژی ارتجاعی بپردازند. این هم درست است که در آغاز کار این صهیونیست‌ها بودند که در زمان حیات عرفات برای تفرقه در نهضت فلسطین جریان‌های ارتجاعی اسلامی را تقویت می‌کردند، تا از یک جنبش ملی یک جنبش اسلامی بوجود آورده و با تفرقه‌اندازی و ابزار تبلیغاتی مغز شویی، شرایط توجیهی سرکوب نهضت فلسطین را به کف آورند. ولی پیروزی شکننده حماس را در یک انتخابات دموکراتیک، نتیجه دسیسه صهیونیست‌ها و یا جمهوری اسلامی جازدن، که در همان زمان خمینی با یاسر عرفات درافتاد، حماقت محض است. سازمان حماس از آنچه توانست نظر مردم فلسطین را جلب کند که دارودسته‌های سازشکار در نهضت فلسطین به زیر قرارداد استعماری اسلو امضاء گذاشتند. قراردادی که موجودیت ملت فلسطین را نفی می‌کند و برای آنها حق حیات قایل نیست. این قرارداد شرم آور هرگز از جانب فلسطینی‌ها منتشر نشد و در دسترس مردم فلسطین قرار نگرفت، ولی در عمل صهیونیست‌ها به آن عمل کردند. اینکه فلسطین را تکه پاره کنند و آنها را توسط دالان‌های زیرزمینی به هم وصل کنند از «قرارداد اسلو» منشاء می‌گیرد و بسیاری نکات دیگر که نقل‌اش از حوصله این کامنت خارج است. مردم فلسطین این ننگ را نپذیرفتند و به دنبال سازمانی رفتند که در مقابل این قرارداد استعماری سینه سپر کرد. علت تقویت سازمان حماس را در فلسطین باید در سیاست آنها و نه در ایدئولوژی آنها، در خواست‌های سیاسی اجتماعی مردم فلسطین و نه در ایدئولوژی ارتجاعی اسلامی جستجو کرد. هر سازمان دیگری نیز در فلسطین به مخالفت آشکار با این سند برمی‌خاست، از محبوبیت فراوان میان مردم فلسطین برخوردار می‌شد. مشتی عوامل «انقلابی» اسرائیلی در میان ایرانیان تبلیغ می‌کنند که حمایت از جنبش فلسطین به معنی حمایت از ایدئولوژی حماس است. آنها با همین منطق هوادار تجاوز به ایران هستند زیرا فراخواندن مردم به مقاومت در مقابل امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها را حمایت از رژیم جمهوری اسلامی جا می‌زنند. برای این ستون پنجمی‌های ایرانی هوادار امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها، کشور ایران مترادف جمهوری اسلامی است. طبیعتاً این عین تبلیغات صهیونیست‌هاست. این سوپر انقلابی‌های بی‌وطن ایرانی از ترورهای اسرائیلی‌ها در نوار غزه حمایت می‌کنند و برای آنها دست می‌زنند. زیرا به زعم آنها اسرائیلی‌ها که «دموکرات» و «ضد تروریسم» هستند، مسلمانان بنیادگرا را می‌کشند و به نظر آنها کشتن و ترور افراد حماس مانعی ندارد. با منطق آنها هر چه بیشتر از آنها بکشند، بهتر است. این است که آنها برای اقدامات فاشیستی و تروریستی اسرائیل هلله کرده و دست می‌زنند. اینها فاشیست‌های ایرانی هستند که فکر می‌کنند با آدم‌کشی و ترور می‌شود یک فکر سیاسی را از میان برداشت. آنها نمی‌بینند که مضمون این مبارزه بر سر رد و یا تأیید کشتن یک عنصر ارتجاعی نیست. زیرا که اگر مسئله چنین

بود، آنوقت هرگز نمی‌شد به ترور افراد انقلابی، که با همین روش توسط ارتجاع صورت می‌گیرد، اعتراض کرد؟ هرگز! در اینجا سخن بر سر اصول است. آیا می‌شود مدافع تروریسم دولتی بود؟ آیا می‌شود با گرسنگی دادن به ملتی برای تنبیه این ملت که چرا در یک انتخابات دموکراتیک سازمانی را که مورد میل صهیونیست‌ها نبوده است، برگزیده است، موافقت کرد؟ آیا می‌شود تجاوز به یک سرزمین را به هر علت مورد تأیید قرار داد؟ آیا می‌شود حقوق ملل را خودسرانه به زیر پا گذارد؟ فقدان اصولیت، کار را به آنجا می‌کشاند که سرانجام بحث تنها به یک نکته محدود می‌شود و آن اینکه مرتجعین را می‌شود به این شیوه ترور کرد و این امر خوبی است در حالی که ترور انقلابیون به این سبک کار زشتی محسوب می‌شود. این منطق را در هیچ کجا و به هیچ بهائی نمی‌توان فروخت. ولی تعریف اینکه چه کسی مرتجع است و چه کسی مرتجع نیست را با فتوای کدام مرجع می‌توان عملی ساخت؟ همه کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی از نظر صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها ارتجاعی‌اند. شاه از آنها به عنوان ارتجاع سرخ سخن می‌گفت و آنها را قتل عام می‌کرد. انقلاب ایران باید به این تفکر فاشیستی پایان می‌داد. حال مشتی ایرانی خودفروخته همان تفاله‌های فکری ارتجاع را پذیرفته و برای اسرائیل سند مقبولیت در جهان تهیه می‌کنند و برای تروریسم دولتی اسرائیل که نیروی فاشیستی اشغالگر است، دست می‌زنند و هلله می‌کنند. این عده به نظر ما ماهیتاً فاشیست هستند و نه کمونیست. اسرائیلی‌ها هم این را خوب می‌دانند.

در حالی که نیروهای انقلابی در سراسر جهان در عین مبارزه روشنگرانه بر ضد افکار بنیادگرایی مذهبی اعم از اسلامی، یهودی، مسیحی از مبارزه مردم فلسطین دفاع می‌کنند، یاران اسرائیل با معرکه گرفتن علیه حماس هدف‌شان نفی مبارزه مردم فلسطین است.

حمایت نیروهای انقلابی بر اساس طبقاتی است و نه بر اساس «مدرنیسم» و ترهات احزاب اسرائیلی پیروان منصور حکمت. مبارزه‌ای که مردم فلسطین می‌کنند و خواست عمیق این مردم است، پایان‌دادن به اشغال سرزمین فلسطین است. صهیونیست‌ها باید گور خودشان را از سرزمین فلسطین گم کنند. اگر سازمان‌هایی نظیر حماس نیز از این مبارزه مردم، خواست مردم حمایت می‌کنند، نمی‌توان به آنها ایراد گرفت. ایراد به کسانی وارد است که از این خواست‌ها دفاع نمی‌کنند و ترجیح می‌دهند نوکر صهیونیست‌ها باشند و یا در پارکابی امپریالیسم آمریکا به ایران حمله کنند. حقیقت این است که در منطقه خاورمیانه در میان اپوزیسیون قلبی ایران دو خط مشی پیدا شده است. آنها که هوادار اشغال سرزمین‌های عراق، افغانستان، فلسطین و لبنان هستند و تجاوز امپریالیست‌ها به ایران را توصیه می‌کنند و آنها که از حقوق ملت‌ها حمایت می‌کنند با استعمار درمی‌افتند و برای رهائی ملی می‌رزمند. دشمنی با مبارزات مردم فلسطین به بهانه حضور حماس در صحنه، دسیسه تبلیغاتی اسرائیلی‌ها و زمینه‌سازی برای نسل‌کشی در نوار غزه است. مخالفین خروج



## پاسخ به یک پرسش در شبکه

### تلگرام

**پرسش:** امروز بحث‌های زیادی در ایران در مورد مقوله نتولیرالیسم در جریان است. شما چه تعریفی دارید؟ آیا مبارزه با نتولیرالیسم، مبارزه با سرمایه‌داری نیز محسوب می‌شود؟ اگر آری! چرا شعار بر علیه کلیت نظام سرمایه‌داری نمیدهیم؟

**پاسخ:** رفیق عزیز، «نتولیرالیسم» جدا از سرمایه‌داری نیست، نتولیرالیسم، سیاست جهانی‌سازی سرمایه در همه جهان است. امپریالیست‌ها در عرصه سیاست تهاجمی اقتصادی خویش از بازار آزاد، که هرگز وجود ندارد، سخن می‌رانند و آنرا تبلیغ می‌کنند. در دوران انحصارات امپریالیستی، که سرمایه و نوع تولید کالا، تعیین بهای کالاها، منابع اولیه، بازار فروش و قدرت سیاسی ممالک زیر سلطه همه و همه در دست انحصارات است، تکیه به بازار «آزاد» بیشتر برای خاک‌پاشیدن به چشم مردم است تا حمایت از رقابت «سالم» و «آزادانه» سرمایه‌داران. در دوران امپریالیسم، انحصارات بر گورستان «رقابت آزاد» جان می‌گیرند و برای نابودی کامل آن با سرمایه‌های افسانه‌ای، به بازار پا می‌گذارند. آماج هجوم اقتصاد نتولیرالی «دولت» است. آنها می‌خواهند با سیاست نظم‌زدائی مسئولیت دولت‌ها را در اداره کشورها به **جز نقش سرکوب‌گرانه** آنها را به صفر برسانند و از دستگاه اداری در ممالک زیر سلطه یک ماشین سرکوب ایجاد کنند که مانع شوند حقوق کارگران و زحمتکشان به صورت یک حق قانونی تحقق یابد و تلاشی برای تحقق آن در عمل به وجود آید. سرمایه‌داران کلان انحصاری مخالف هرگونه حقوق برای کارگران هستند. آنها تلاش دارند تا تمام دست‌آوردهای طبقه کارگر را بعد از انقلاب کبیر اکبر و پس از کاهش قدرت جنبش کارگری از بین ببرند. سیاست نظم‌زدائی به مفهوم سلب حقوق دموکراتیک و مطالباتی همه مردم و به ویژه زحمتکشان است. تبلیغات آنها این

امپریالیست‌ها از عراق مدافعین اشغال سرزمین‌های فلسطین، لبنان، افغانستان نیز هستند. این یک تفکر ارتجاعی و غیرطبقاتی در برخورد به پدیده‌های اجتماعی است. احمقانه و جنایت‌کارانه است اگر کسی بخواهد افراد و یا جریان‌های سیاسی را به خاطر دارا بودن ایدئولوژی‌های ارتجاعی از مبارزه برای خاتمه‌دادن به اشغال میهن‌اش منع کند. تو گوئی مجاز است سرزمین‌هایی را که به نظر متجاوزین مردمان‌اش «ایدئولوژی ارتجاعی» دارند، اشغال کرد و مردم‌اش را به قتل رسانید. این تفکر به کمونیست‌ها ربطی ندارد. یک تفکر فاشیستی و استعماری است.

دوست عزیز نظرتان در مورد عدم سازمان‌های چپ با حماس اشتباه است. از قضا اطلاعات صحیحی در مورد اوضاع فلسطین و سازمان‌های سیاسی و جنبش مقاومت فلسطین ندارید. برای اطلاع‌تان سند زیر را که در رابطه با همکاری عملی جبهه خلق برای آزادی فلسطین، جرح حبش که یک سازمان چپ مارکسیستی است، با سازمان حماس که در چند سال پیش صورت گرفته است، می‌آوریم تا پی به حقایق درون سرزمین اشغال شده فلسطین ببرید:

**نظر جبهه خلق برای آزادی فلسطین در مورد همکاری مشترک علیه دشمن متجاوز صهیونیست، مؤرخ ۱۷ ژانویه ۲۰۰۹ معان نیوز، خبرگزاری فلسطین**

**معان نیوز:** رابطه امروز بین حماس و جبهه خلق برای آزادی فلسطین چگونه است؟

**جواب:** براساس مقاومت فعلی بیان می‌شود.

**معان:** اما جبهه خلق برای آزادی فلسطین یک جنبش سکولار است. آیا این مسئله در همکاری با حماس، که به یک جامعه اسلامی و یک دولت اسلامی اعتقاد دارند، مشکل ایجاد نمی‌کند؟

**جواب:** هر دوی ما حماس و جبهه خلق برای آزادی فلسطین متعلق به اردوگاه مقاومت هستند، اردوگاه مقاومت که از مردم، آرمان و حقوق اساسی ما دفاع می‌کند.

هر دوی ما به اصطلاح «مذاکره» را رد می‌کنند، ما همکاری با اشغال‌گر را رد می‌کنیم و همه راه‌های به اصطلاح سیاسی را که مبتنی بر انکار و تخریب حقوق مردم ماست، رد می‌کنیم. ما هر دو در مقاومت در برابر قتل عام‌ها و نسل‌کشی، که علیه مردم فلسطین انجام می‌شود، متحد هستیم. آنچه اتفاق می‌افتد، این است که اکنون ما را متحد می‌کند. وحدت در جنگ، برای مردم ما، برای آرمان و حقوق ما»

امید که با این پاسخ نسبتاً مفصل ما در مورد برخورد به مسئله فلسطین و شعار انحرافی «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران!» تجدیدنظر کنید! پیروز باشید •



است که «دولت‌ها» سرمایه‌داران خوبی نیستند و تنها سرمایه‌داران به علت انگیزه مالکیت و کسب سود بیشتر است که از حیث و میل دارائی جلو گرفته و استفاده بهینه از آنرا عرضه می‌کنند.

فریب آنها زمانی روشن‌تر می‌شود که ما به رویدادهای زندگی مراجعه کنیم. سقوط بازارهای بورس، ورشکستگی همه بانک‌های خصوصی، کیفیت نازل خدمات شرکت‌های خصوصی شده، نظیر پست، راه آهن و... نشان دادند که سرمایه‌های خصوصی برای حفظ سود خصوصی خود از چه نیروی تبهکارانه غیرقابل‌نظارتی برخوردارند. با تبلیغ سیاست «خصوصی‌سازی» تمام اموال عمومی، ثروت‌های مردمی با قیمت‌های نازل به سرمایه‌داران انحصاری خارجی در درجه اول فروخته می‌شود. آب‌ها، جنگل‌ها، زمین‌های مزروعی، جاده‌ها، پست، راه آهن، ناوگان هوایی، حتی بخشی از خدمات امنیتی، ایمنی و انتظاماتی در اختیار شرکت‌های خصوصی خدمات ایمنی قرار می‌گیرند. بخشی از ارتش به عنوان ارتش حرفه‌ای و یا زیر عنوان شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی که مزدوران، آدم‌کش بین‌المللی هستند، عرضه می‌گردد و نظام وظیفه عمومی منحل می‌گردد. در ارتش حرفه‌ای خصوصی خارجی‌ان نیز می‌توانند سلاح حمل کنند.

در اثر این سیاست، هوا، معادن، سواحل دریاها، جزایر، ساختمان‌های بزرگ عمومی، مدارس، دانشگاه‌ها، بهداشت و درمان، بیمه‌ها و... همه و همه به صورت مالکیت خصوصی درمی‌آیند. مردم ممالک مفروض در کشور خودشان بیگانه هستند و به ثروت‌های تولیدشده توسط معادن و دریاها و جنگل‌ها و... دسترسی نخواهند داشت. نیروی پلیس بومی و یا بین‌المللی مطالبات مردم در این زمینه‌ها را سرکوب خواهد کرد. سرمایه‌داران خصوصی بعد از غارت ممالک با به‌جای‌گذاردن زمین سوخته، خاک این کشورها را ترک می‌کنند، بدون اینکه برای مردم این کشورها ثروتی تولید کرده باشند. مردم این کشورها همیشه به صورت بدهکار باقی می‌مانند و دول دست‌نشانده این ممالک مراقبت‌های لازم را فراهم می‌آورند، تا اقساط بدهکاری‌های مردم سر موعده پرداخت شود. نئولیبرالیسم با برنامه خصوصی‌سازی ثروت‌های عمومی، که همان تشدید بهره‌کشی و استعمار بی‌شرمانه است، برخلاف ادعاهایش «دموکراسی» ایجاد نمی‌کند، بلکه بدترین نوع استبداد، غارت، سرکوب و وابستگی را در این جوامع به کار می‌گیرد. با این سیاست همه چیز به صورت کالا درمی‌آید. حتی اعضاء بدن را می‌شود در بازار آزاد سرمایه‌داری، «آزادانه» و «دموکراتیک» خرید و فروش کرد ولی در قانون اساسی برای فریب مردم ذکر می‌کنند که «حیثیت انسانی خدشه بردار نیست».

سیاست خصوصی‌سازی، مولد قساوت و تشدید نابرابری ثروت است و به شکاف عمیق‌تر طبقاتی و فقر عمومی مردم منجر می‌شود. این سیاست دارای دو نقش و دو تأثیر در ممالک سرمایه‌داری پیشرفته غربی و در ممالک سرمایه‌داری زیر سلطه و یا وابسته از نظر اقتصادی است. در این سیاست اقتصادی، توزیع ثروت همواره براساس قدرت و نفوذ سرمایه صورت می‌گیرد. سرمایه‌داری هرگز برای رفاه عمومی و بهبود شرایط زندگی مردم دست به تولید نمی‌زند، بلکه در پی کسب سود حداکثر است. سازوکار

سامان سرمایه‌داری چنین اجازه‌ای را اساساً نمی‌دهد که سرمایه‌دار معینی از قدرت رقابت خود در مقابل دشمن اقتصادی‌اش بخاطر دلسوزی برای مردم بکاهد و به فکر زندگی و رفاه عمومی مردم باشد. در ممالک امپریالیستی و سرمایه‌داری اردوگاه غرب، دولت‌های معروف به «دولت‌های رفاه» جای خود را به سرعت با دولت‌های کارگزار بی‌نقاب انحصارات جایگزین کردند و دست سرمایه‌های کلان را در بلعیدن سرمایه‌های کوچک و غیرقابل رقابت بازمی‌گذارند. بازارهای این کشورها به محل تاخت و تاز سرمایه‌داران کلان انحصاری بدل می‌شود که درجه بهره‌کشی از انسان‌ها را تشدید می‌کنند. سرمایه‌داری کلان و انحصاری خارجی برای نفوذ در این کشورها و چیرگی بر بازارهای آنها خواهان نقض و نادیده گرفتن توافقنامه‌های جهانی‌ای می‌شوند که در کشور خودشان موجبات افزایش بهای کالاها را به دنبال می‌آورد و از قدرت رقابت آنها در بازار «آزاد» می‌کاهد. سیاست آنها به مصداق «بعد از مرگ من، چه دریا چه سراب» به دنبال «سود» فوری کلان و حداکثر هستند. پیمان‌های جهانی در مورد حفظ محیط زیست، حقوق کارگران، زنان، کارمندان در زمینه بیکاری، بیمه‌های درمانی، کمک هزینه ایام بارداری از تأمین اجتماعی، کار کودکان، حق اعتصاب کارگران و کارمندان و... به زیر پا گذاشته می‌شوند و دولت کارگزار، مسئول حفظ سود سرمایه‌داران کلان است و باید متعهد شود که برای سرمایه انحصاری طرف قرارداد، این سود را تأمین کند. در این تاخت و تازها ممالک سرمایه‌داری کوچک به زائده ممالک سرمایه‌داری بزرگ بدل می‌شوند و استقلال سیاسی خویش را از دست می‌دهند. در ممالک تحت سلطه و وابسته از نظر اقتصادی که فاقد سرمایه‌های کلان و صنایع قابل رقابت هستند، خصوصی‌سازی‌های سازمان تجارت جهانی تنها منجر به غارت این ممالک و تشدید استثمار زحمتکشان می‌گردد. دولت در این ممالک دیگر «منافع ملی کشور خودی» را در نظر نمی‌گیرد بلکه حمایت از منافع ملی کشور سلطه‌گر را وظیفه خویش می‌داند و به عامل بومی مستقیم استعمار جهانی بدل می‌گردد. استعمار جهانی در این کشورها نفوذ میکند و بیابان برهوت باقی خواهد گذارد. به همین جهت مقاومت مردم افزایش می‌یابد و دولت‌های دست‌نشانده این مقاومت و اعتراضات را با سرکوب پاسخ می‌دهند.

برای تحقق سیاست‌های نئولیبرالی باید به تعدیل ساختاری دست زد و تسلیم مکانیسم بازار شد. براساس این تئوری ورشکسته دولت باید از دخالت در امورد اقتصاد دست بردارد و این عرصه را به گریگان سرمایه‌دار واگذارد. گویا این خود بازار کور و هرج و مرج تولید است که توازن اقتصادی را مستقر می‌سازد. نئولیبرال‌ها با تئوری «بازار آزاد» که هیچ زمان نه آزاد بلکه همیشه تابع منافع قدرت‌های جهانی بوده است، با هدف فتح بازارهای ملی دیگران هجوم می‌آورند. آنها «بازار آزاد» را برای دیگران موعظه می‌کنند، ولی دروازه بازارهای خود را به روی کالاهای رقیب می‌بندند و یا با توجه به سطح رشد صنایع و کیفیت کالاهایشان عملاً آزادی رقابت در بازار آزاد را به حرف پوچ و عوام‌فریبانه‌ای بدل می‌سازند. نئولیبرال‌ها با اقتصاد هدفمند و با نقشه دولتی به شدت مخالف‌اند. آنها تبلیغ می‌کنند که باید از دادن یارانه و کمک‌های

دولتی نیستید و دقیقاً با خلاف آن مواجه‌اید. همین نئولیبرال‌ها، که «ضد دخالت دولت» و «برنامه‌ریزی دولتی» هستند، آنجا که به دخالت دولت نیاز باشد، تا منافع اقتصادی و طبقاتی آنها را حفظ کند، فوراً مدافع حضور و نظارت دولت می‌شوند و رنگ عوض می‌کنند. در زمان بحران مالی جهانی و ورشکستگی بانک‌ها، آنها برای نجات خویش دست به دامان دولت‌های خودی شدند و این دولت‌ها بودند که راهزنانه از کیسه مردم، بدون رضایت آنها، به صورت دیکتاتورمنشانه سامان سرمایه‌داری مالی را موقتاً نجات دادند. نظریه تکفیر دخالت دولت در امور اقتصاد، لالائی برای مردم آزاد است.

همانطور که اشاره رفت، نولیبرالیسم تعرض سرمایه انحصاری در اشکال جهانی به دست‌آوردهای طبقه کارگر در شرایط ضعف جهانی جنبش کمونیستی است. به عبارت دیگر مبارزه علیه نولیبرالیسم در شرایط کنونی مبارزه‌ای تدافعی علیه تعرض سرمایه است و نه تعرض جهت الغای مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و استقرار بلاواسطه و فوری سوسیالیسم. حفظ اموال عمومی و احترام به قوانین دمکراتیک به عنوان دست‌آوردهای طبقه کارگر در قانون اساسی و وادار کردن دولت به وظایف‌اش در قبال مردم و ممانعت از خصوصی‌سازی‌ها ... مبارزه این دوره از طبقه کارگر است که اقشار وسیع‌تری را به دور خود گرد می‌آورد. مثلاً مبارزه طبقه کارگر در ممالک اروپایی برای خروج از اتحادیه اروپا نیز همین خصلت را دارد و برای جلوگیری از اعمال «سیاست‌های نئولیبرالی اتحادیه اروپا و مخالفت با قانونی شدن و رسمیت بخشیدن به خصوصی‌سازهای و سیاست‌های ریاضت اقتصادی است. مبارزه طبقه کارگر در چنین شرایطی یک مبارزه تدافعی است، برای حفظ دست‌آوردهای دمکراتیک و تاریخی‌اش که در صورت تداوم و سرگردگی حزب سیاسی طبقه کارگر می‌تواند در نهایت کل نظام سرمایه را به زیر کشد. در ایران هم مانند شیلی، اکوادور، عراق، کلمبیا، فرانسه و ... اجرای سیاست‌های نئولیبرالی دمار از روزگار مردم درآورده است و از همین روست که دانشجویان و کارگران آگاه ایران پرچم مبارزه علیه سیاست‌های نئولیبرالی را برای حفظ دست‌آوردهایشان برافراشته‌اند. مخالفت با خصوصی‌سازی کارخانه نیشکر هفت تپه و سایر شرکت‌های دولتی ... دارای خصلت ضدنئولیبرالی و مخالفت با انتقال منابع عمومی و ملی به افراد سرمایه‌دار است و این سیاست نمی‌تواند به نفع توده کارگر باشد. متوقف کردن سیاست نئولیبرالی هنوز به معنای الغای مناسبات استثمار نیست و نمی‌تواند باشد. بلکه برای تعدیل و کاهش فشار بر طبقه کارگر و حفظ حقوق تعیین شده و مهار سرمایه و ادامه مبارزه طبقاتی در شرایط دیگر برای تجدید قوا و آماده کردن خویش برای نبردی دیگر است. عدم درک صحیح از مقوله «نئولیبرالیسم» و یا انکار چنین سیاستی در ایران در قالب راست و یا طرح شعار کودکانه «تعرض به کلیت سرمایه» و خیز برداشتن برای کسب «قدرت شورایی» بدون در نظر گرفتن توازن قوای طبقاتی و تشکیل نیرومند کمونیستی، یعنی حزب واحد طبقه کارگر یک سیاست چپ‌روانه است و اثرات مخربی بر مبارزه طبقه کارگر خواهد گذاشت و فرجامی جز شکست در انتظارش نخواهد بود. پیروز باشید!

مالی به طبقات کم درآمد، که یک اقدام دولتی و دخالت دولت در تولید است و رقابت «آزاد» را از بین می‌برد، خودداری کرد، تا به مصداق «به مرگ بگیر تا به تب راضی شود»، مردم در نهایت فقر و نیاز خود مجبور شوند به بدترین شرایط بهره‌کشی خارجی تن در دهند. ریاضت اقتصادی که آنها نظریه‌اش را تبلیغ می‌کنند به همین مفهوم است که به عموم مردم باید به قدری گرسنگی و تشنگی داد و از حداقل امکانات زندگی محروم‌شان کرد که حاضر شوند در بدترین شرایط بهره‌کشی ضدانسانی به هر کار و به هر خفتی تن در دهند تا سود سرمایه‌دار خارجی تأمین گردد. «آزادی بازار» سرمایه امپریالیستی، آزادی بهره‌کشی بی‌رحمانه انسان‌ها را به دنبال دارد. امپریالیسم از این نوع آزادی دفاع می‌کند. باید بهای بنزین و مواد سوخت لازم برای مصرف شهروندان و تولید را که با دخالت دولت تعیین می‌شود، شناور کرد و در اختیار رقابت و عرضه و تقاضای بازار گذارد و از دادن یارانه به مواد سوخت آن خودداری ورزید، باید به تبلیغ روحیه فردگرایی و سودپرستی و خودپرستی در مقابل فرهنگ انسانی جمعی دست زد. باید هویت فردی را در مقابل هویت جمعی قرار داد، فرد را به جنگ جمع فرستاد و شرط تحول اجتماعی را موفقیت‌های فردی جا زد. باید انسان‌ها را به گرگ یکدیگر بدل کرد و این نظریه را در پوششی از تبلیغات «محسنات» منش فردی و آرمان‌های فردگرایانه و «مهارت‌های فردی» و «خدادادی» و استعدادهای «ذاتین پوشاند و تبلیغ در مورد «فردگرایی» را به منزله امری مقدس که اسلحه‌ای برای مبارزه با مفاهیم ماهیتا طبقاتی اجتماعی است، به پیش کشید، باید کار جمعی و اجتماعی و احساس همسرنوشتی و انسانی را تقیح کرد و آنرا نفی «آزادی فردی» و گزینش «یک آقا بالا سر اجتماعی» که در همه موارد تصمیمات تحمیلی و اشتباه می‌گیرد، قلمداد نمود. باید چماق «آزادی فردی» را در مقابل **همبستگی اجتماعی**، تقدیس «بازار آزاد» و مالکیت خصوصی را در مقابل انحلال ارزش‌های جمعی و مالکیت جمعی و حتی در مقابل سیاست نظارت دولت با هدف برنامه‌ریزی در امر اقتصاد سرمایه‌داری قرار داد. باید تبلیغ کرد که «دست نامرئی» بازار، محرک اقتصاد است و توازن جهان را سامان می‌دهد و به نیروی دولت، اجتماع و نظارت آنها نیازی نیست. آنچه به آن نیاز است، آزمندی آزادانه و قدرت‌طلبی بی‌حد و مرز فردی است که برای همه جامعه «مفید» است.

نولیبرالیسم دشمن دولت‌های رفاه و الگوی سوسیال دموکراسی قبل از فروپاشی رسمی شوروی امپریالیستی بود. مارگارت تاچر، نخست وزیر سابق بریتانیا، که مدافع سرسخت اقتصاد نئولیبرالی بود، می‌گفت: «چیزی به عنوان جماعت وجود ندارد. جامعه تجمع مردان و زنان منفرد است و البته خانواده آنها». نئولیبرالیسم، تجارب و آموزه‌های مبتنی بر دخالت دولت، جهت عقلانی و بهینه‌سازی روند اقتصاد سرمایه‌داری را، سد پویایی اقتصادی اجتماع جامی زد. البته نباید فراموش کرد که آنچه نئولیبرال‌ها به صورت زبانی می‌گویند، با نیات باطنی آنها مغایر است. آنها به دولت و نیروی متمرکز و سرکوب‌گر برای حفظ منافع اساسی و هستی خویش همیشه نیاز داشته و دارند. در هیچ کشور جهان، که این نئولیبرال‌ها دست بالا را دارند، شما شاهد حذف ارتش و قوای سرکوب‌گر



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/toufan.hezbekar					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب

**POSTBANK**

bank code 20110022

bank account No.: 25773372600

IBAN: DE70201100222573372600

**P.O. BOX 1138**

D64526 Mörfelden-Walldorf

E-Mail: toufan@toufan.org

Fax: 00496996580346